نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۲۰۲
شنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ - تکشماره ۱۵ ریال

حل مسئله کردستان فقط از راه مسالمت آمیز ممکن است

بازابرهای تیرموتار جنگ برادرکشی رفته‌رفته آسمان کردستان رافرا میگیرد. جای هیچگونه تردیدی نیست که چنین جنگی میتواند تنها و تنها بسود امپریالیسم آمریکا وایادی داخلی آن باشد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران بادرك عمیق جوانب گوناگون وضع موجود بود که دراعلامیه مورخه ۱۰ فروردین ماه خود، مقاصد شوم شیطان بزرگ - امپریالیسم آمریکا وضد انقلاب پرورده آنرا بشرح زیر توضیح داد:

۱- منحرف کردن توجه همگانی ازمبارزه علیه دشمن اصلی انقلاب ومردم ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا،

۲ - تبدیل کردستان بمیدان جنگ برای تدارك زمینه مداخله نیروهای خارجی وتوسعه وتقویت پایگاه ضدانقلاب،

۳- فراهم کردن دستاویزی برای حمله به نیروهای چپ اصیل و تضعیف انقلاب،

۴- معرفی حکومت انقلابی ایران به جهانیان بمثابه یك حکومت سرکوبگر و توطئه ساز نظیر حکومت سرنگون شده شاه مخلوع.

ازاینرونیز کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران متذکر شد که:

«حل مسئله کردستان باتانك وتوپ ویابا نشستن پیشمرگ در سنگر ممکن نیست. این مسئله یك خلق ستمدیده است وفقط بارفع ستم قابل حل است».

کمیته مرکزی حزب توده ایران اظهار اطمینان کرد که بر مبنای پیام تاریخی امام خمینی، بدون خونریزی وبی‌آنکه وجبی ازخاك ایران تجزیه شود و یا زیانی به‌تمامیت، حاکمیت ملی و مرکزی ایران برسد، می توان مسئله کردستان رابسرعت حل کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پیشنهاد مشخص خود را دراین زمینه ارائه داد وآمادگی خودرا برای همکاری با دولت جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد.

درآبانماه گذشته، هنگامیکه وضع بحرانی کردستان شدت خاصی کسب کرده بود، پیام تاریخی امام خمینی زمینه مشخص ومعتبری برای حل سیاسی مسالمت‌آمیز مسئله کردستان فراهم ساخت. جنگ برادرکشی، که آغاز شده بود، متوقف شد.

بقیه در صفحه ۲

چرا پیام اول کارتر به آقای رئیس جمهوری منتشر نمیشود؟

مردم انتظار داشتند و هنوزهم انتظار دارندکه پیام اول کارتر به آقای بنی‌صدر رئیس جمهور هم مانند پیام کارتر به امام وپیام دوم کارتر به رئیس جمهوری منتشر شود، ولذا می‌پرسند: چرا این پیام تاکنون منتشرنشده است؟

ما همه اهل جنگیم - با امریکا می‌جنگیم

دیروز پس از پایان نماز جمعه گروهی ازمردم بدعوت برگزارکنندگان مراسم نماز به جلوی لانه جاسوسی آمریکا رفتند وباردیگر برای گرفتن حق خود از شیطان بزرگ امپریالیسم آمریکا پیمان اتحاد و رزم بستند. آنها بار دیگر سازشکاران را محکوم کردند وتکرارکردندکه:

ما همه اهل جنگیم
با آمریکا می‌جنگیم

مسئله اموال غارتی شاه مخلوع چه شد؟

پینك‌پونك سیاسی آقای قطب‌زاده ورئیس‌جمهور پاناما - وکالت‌ازطرف کارتر - برسر استرداد شاه‌مخلوع، دربرابر چشمان بهت زده مردم ایران، ۲۱ برهیچ بنفع کارتر خاتمه یافت وشاه مخلوع که می‌خواستند اورا بعنوان دزد و قاتل وجانی دریك دادگاه بین‌المللی بپای میزمحاکمه بکشند ورئیس جمهوریاناما - بنابه گفته مقامات رسمی ایران - بااین امر موافقت کرده بود، بااحترام وجاه وجلالی که دست‌کمی ازمراسم استقبال غیررسمی ازسران دولتها نداشت بگفته انورسادات «برای اقامت همیشگی در میان برادران و دوستان مصریش» به‌قاهره وارد شد.

باانتقال شاه‌مخلوع به‌مصر، پرونده استرداد او به‌ایران و جاروجنجال عوام‌فریبانه‌ای که پیرامون این‌مسئله براه‌افتاده‌بود بسته شد.

اما آیامسئله‌اصلی برای‌مردم ایران استردادشاه‌مخلوع‌واعدام‌او بود؟ما اگر ۷هزاربار شاه‌مخلوع رابکشیم‌وزنده‌کنیم و بازبکشیم، نمی‌توانیم‌قصاص‌خون‌پاك‌شهیدانمان را ازاوبگیریم.

مردم ایران‌ازهمان ابتدای انقلاب مسئله استرداد شاه‌مخلوع را با دومسئله بزرگتر ارتباط میدادند،

۱- استرداد ثروتهای‌مردم ایران، که شاه‌مخلوع دزدیده و بخارج منتقل‌کرده است.

۲- پرده‌برداری از روابط شاه مخلوع با امپریالیستها و بخصوص امپریالیستهای آمریکائی که سرمنشاء تمام بدبختی‌های مردم ایران‌بوده‌اند.

باکمال تأسف می‌بینیم که دستهای پرنفوذی درکارند، که‌این دومسئله بزرگ را، همزمان با

بقیه در صفحه ۲

ملك براید، والدهایم تازه!؟

ازقرار ملك براید، وزیر خارجه سابق ایرلند، نقش‌کورت والدهایم، دبیرکل سازمان‌ملل متحد را - که اینك افشاء شده‌و شکست خورده‌است - در مسئله «گروگانهاء ی امریکائی برعهده گرفته است.

ملك براید بانقشه «تازه»ای مبنی بر «آغاز» محاکمه شاه مخلوع در دادگاهی شبیه دادگاه نورنبرگ در مقابل تحویل گروگانها بمیان‌آمده است.یعنی بازهم وعده سرخرمن دربرابر امتیاز نقد.

امام بدرستی گفته است که «شیطان بزرگ برای‌رسیدن‌به چندسال مسندجنایت‌بهروسیله ممکن دستاویز و بهر نقشه شیطانی متشبث میشود».

نقشه «تازه» ملك‌براید یکی دیگر ازاین نقشه های شیطانی است که‌میخواهدملت‌مارادربرابر امریکا خلع سلاح کند. بایدآن‌را افشاء وطردکرد.

درباره سخنرانی آقای بنی صدر درسالروز جمهوری اسلامی ایران

سالروزجمهوری اسلامی ایران، جشن‌بزرگی‌برای همه مردم‌کشورما بود. یکی‌ازژرفترین خواست های‌توده مردم ویکی‌از اهدافنبرد انقلابی خلق ما، یعنی نفوذ سلطنت منفور در این روز رسما به‌کرسی نشست و قدرت قانونی یافت.

عدهٔکثیری برای بزرگداشت‌این روز وبدنبال پیام‌دفتر امام وریاست جمهوری ودعوت احزاب وسازمان های مختلف مترقی وانقلابی درمیدان‌آزادی گردآمده بودند وازجمله‌آماده بودند تا به سخنان‌آقای رئیس جمهور بنی‌صدر - که ازمدتی‌پیش دررسانه‌های گروهی بر روی‌اهمیت آن تاکید شده بود - گوش دهند.

در زمینه اموردداخلی حضار باعلاقه شنیدندکه بنابرآن است که بدنبال وعده ها کار بعمل بیاید. شنیدند، که مسئولان دست اندرکار برای تمشیت امور و حل مسائل بسیارحاد زندگی روزمره چاره‌اندیشی هائی‌کرده‌اند.

منار مردم باتوجه ویژه‌ای به تدابیر مربوط به قیمتها وحل برخی‌جوانب مسئله‌گرانی گوش‌دادند، زیراگفته آقای بنی صدر حاکی ازتصمیماتی‌بودکه درزمینه

بقیه درصفحه ۵

روزنامه جمهوری اسلامی: توده‌ای ها می آیند...

...وفئودالهاوسرمایه‌داران بزرگ نمیایند؟!

بهتر است نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی از خودشان بپرسند: چرا دریك زمان واحد کارتر، محافل امپریالیستی، شاپور بختیار و آنها به این نتیجه رسیده‌اند که: توده‌ای‌ها می آیند؟

امریکائی‌ها نمی‌آیند!!، در روز یکشنبه ۱۰ فروردین، اولین مضمون «فحش نامه» روزنامه جمهوری اسلامی رابررسی کردیم وبا تکیه برمفاد همان «فحش‌نامه» نشان‌دادیم که چگونه نویسندگان‌این‌روزنامه معتقدند که امپریالیسم امریکا شکست خورده است.

این‌نظریه درتیتراول‌این‌روزنامه، درروز ۱۰ فروردین، که فریب جدید امپریالیسم امریکا، یعنی پیام کارتر، که امام باافشای آن دشمن اصلی ایران رارسوا کرده، منعکس شد.

روزنامه جمهوری اسلامی از پیام کارتر نظریه خودرا نتیجه گرفت وبا حروف درشت نوشت: «کارتر به اشتباهات امریکا رسما اعتراف کرد». ولی امام در پیام خود بمناسبت سالگرد بنیانگذاری جمهوری اسلامی ایران، پیام کارتررا نیرنگ وبازی خواند و آنرا بادرش شاه مخلوع مقایسه ومحکوم کرد.

درزیر این تیتر، این زیر تیتر آمده است:

«من میتوانم بخوبی درك کنم که تصرف سفارت ما در تهران می‌توانسته است شکل العمل موجبی برای جوانان ایران تلقی شود».

کسانیکه پیام نیرنگ کارتررا خوانده ویا شنیده‌اند، میدانند که این اظهار نظر کارتر مقدمه‌ای است برای اینکه حرف اصلی‌اش رابزند ومنظور واقعی‌اش را بیان کند. جمله‌ای که روزنامه‌جمهوری اسلامی بعنوان تیتر خود آورده، ونشان دهنده سیاست روزنامه واهمیتی است که برای آن قائل است، درواقع‌ناقص نقل‌شده است، زیرا این جمله (به‌نقل از خود روزنامه جمهوری اسلامی) با یك «اما» ادامه می‌یابد، باین شکل: «... اما زمان سپری میشود و من دلائل جدی برای تردید درباره انگیزه های واقعی آقای کارتر که سفارت مارا تصرف کرده‌اند، در دست دارم. اشغال سفارت امروز مسائل عمده‌ای برای حکومت‌شما و حکومت ما ایجاد میکند ونهایتا عامل اختلافاتی گردیده است که مانع رفع بحران کنونی و ایجاد روابط جدید براساس برابری و احترام متقابل که شما خواهان آن بوده ومائیز باآن موافقت داریم میباشد».

بکارید. نماینده امپریالیسم خونخوار آمریکا، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام مستقر در لانه جاسوسی امریکا را، که خوشبختانه روزنامه جمهوری‌اسلامی هم ازآنها حمایت می‌کند «آنان» می‌خواند ودر انگیزه واقعی‌شان شك میکند. این آیا تکرار همان فریادی نیست که «دانشجویان مسلمان‌پیرو خط امام‌را کمونیست» می‌خواند؟ آیا کارتر هم باین‌نتیجه نرسیده که: کمونیست‌ها می‌آیند؟

کارتر درخطوط پایانی پیام‌خود صریحا اعلام میکند: «به‌نظر من زمان و دشمنان واقعی نظام های سیاسی مربوط ما به زیان ما متحولند».

دشمنان واقعی نظام سیاسی امریکا کیستند؟ ما معتقدیم که اسلام انقلابی امام خمینی یکی از این دشمنان سرسخت امریکاست. اما کارتر که یکشنبه شب‌بدنبال (۱) از دشمن مشترك نظام‌های‌سیاسی ایران وامریکا سخن می‌گوید، یعنی اسلام انقلابی را ریاکارانه دشمن نمیداند. پس کیست که دشمن امریکاست وبه رغم او دشمن جمهوری اسلامی ایران هم

بقیه در صفحه ۲

ما در دام نمی‌افتیم

آنچه امروز انقلاب را بیشتر وخطرناکتر از همیشه تهدید میکند، امپریالیسم خونخوار آمریکاست. سرنوشت انقلاب درگرو مقابله قطعی بااین دشمن غدار است. حزب توده ایران باتمام توان خود در این سنگر اصلی می‌رزمد و در حد نیروی خویش توده‌ها را برای‌شرکت دراین‌نبرد بسیج‌میکندونیروهای دیگررا به‌اتحاد دراین نبرد دعوت می‌کند.

پاسخگوئی‌مابه‌روزنامه‌جمهوری‌اسلامی در چهارچوب همین سیاست و برای افشای نظریه خطرناك این روزنامه بود. دشنام‌ها و اتهام‌های این روزنامه و هیچ روزنامه وگروه دیگری ما را در دام نخواهد انداخت، که مبارزه در سنگر اصلی نبرد را - آنچنان که آمریکا میخواهد - رهاکنیم وبه‌مسائل فرعی بپردازیم.

روزنامه جمهوری اسلامی تاکنون تنها «فحش» داده وافترازده‌است. اگراین‌روزنامه به‌سئوالات‌جدی‌ماپاسخ دهد ویاباب‌یك‌بحث جدی وبدون دشنام واتهام را بازکند، مابه‌آن پاسخ‌خواهیم‌داد، امادشنام‌هایش‌رابی‌جواب خواهیم گذاشت و در این دام نخواهیم افتاد.

فئودال‌ها می‌آیند! نه. سرمایه‌داران بزرگ می‌آیند! نه. فئودالهای کنید رسیستان و .... سلیم هستند! نه. فئودال ها در آتش‌افروزی کشور دست دارند! نه. سرمایه‌داران بزرگ درهمدستی ویژه در آذربایجان. اغتشاش ایجاد نکرده‌اند! نه. زمینداران بزرگ وسرمایه داران بزرگ می‌آیند! نه.

پس چه‌کسی می‌آید
- توده‌ای ها می‌آیند...

اینست دومین مضمون سیقا خطرناك، که ازاعماق «فحش‌نامه» روزنامه جمهوری اسلامی فریاد میکشد. پرداختن باین مضمون بویژه وقتی اهمیت می‌یابد که روزنامه جمهوری‌اسلامی، درشماره ۱۰ فروردین خود، عین همان‌مقاله رابرای تاکید مجدد برآن‌مواضع، مجدد چاپ کرده است.

نتیجهٔ مشترکها با کارتر؟

درمقاله‌ای تحت عنوان «... و

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم

بقیه ازصفحه ۱

هست؟ روشن است: کمونیست‌ها، سوسیالیسم.

کارتر این نظریه خودرا بارها صریحا اعلام داشته است. از جمله خطاب به‌کنگره امریکا گفته است :

«به‌رهبران ایران‌توصیه میکنیم که خطراصلی برای کشورشان در شمال است وادامه کشمکش ایران باما مانع پاسخ دادن به چنان خطری میشود.»

(کیهان ـ چهارم بهمن‌ماه ۱۳۵۸)

البته نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی، اعتراف صریح کارتررا قبول ندارند و معتقدند :

«امریکا و شوروی باهم دشمن نیستند، در پشت پرده سازش کرده‌اند!»

امااین اعتقاد نادرست، تغییری درهشدار ریاکارانه کارتر نمیدهد که فریاد سر داده :

ـ کمونیست‌ها می‌آیند !

این‌دیگربرعهده‌خودنویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی است که ازخودشان بپرسند: چرا درزمان واحد باکارتر، با همه محافل امپریالیستی وشاپور بختیار خائن باین نتیجه واحد رسیده‌اند ؟

اینجا بازهم صریحا میگوئیم که مانویسندگان روزنامه‌جمهوری اسلامی رااز قماش ارواح خبیثه بالا نمیدانیم، اما اعتقاد راسخ‌داریم که نظریه نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی ـ علیرغم هرنیتی که داشته باشند ـ دراین لحظه تاریخ ایران عینا همان نظریه محافل بالاست. همانطورکه گفتیم: چرایش بعهده خود آنهاست.

وعجیب‌تر اینکه، درحالیکه کارتر بیشرمانه همه اختلافات‌بین ایران‌وامریکا رابگردن‌دانشجویان مسلمان پیرو خط امام می‌اندازد وآنهارا مسبب بحران کنونی و ایجاد مسائل عمده‌ای‌برای حکومت ایران میداند، روزنامه جمهوری اسلامی که میداند امام درباره دانشجویان مسلمان پیروخط امام گفته است: «آنها ملت ما را سرافراز کردند»، درسرمقاله‌خود چنین اظهارنظر میکندکه: «اعتراف آشکار وصریح کارتر به حقانیت موضع‌گیری انقلاب ایران‌واشغال لانه جاسوسی امریکا». این‌است معنای اعتراف به حقانیت اشغال لانهٔ جاسوسی ؟!

در همین سرمقاله ، روزنامه جمهوری اسلامی شکست امریکا وزبونی اوراعلام میکند ومینویسد: «اعتراف آشکار وصریح کارتر به حقانیت موضع‌گیری انقلاب ایران واشغال‌لانه جاسوسی‌امریکا چیزی جز به مفهوم به بن‌بست رسیدن دیپلماسی امریکا نیست‌و صرفا به معنی «عجز آمریکا» و «تمام توطئه هایش با شکست و افتضاح ورسوائی روبروشده‌است».

آمریکا که نباشد...

این نظریه رسما به توده ها اعلام میکندکه آمریکا عاجزاست، شکست خورده و دیگر خطری ندارد. پس چه چیز خطرناک است ؟:

«امریکا در ایران ایادی و نوکران ونوچه‌های خودرا برقصی وحشت انگیز واداشته است . » (سرمقاله)

این ایادی ونوکران کیانند؟ سرمقاله نویس جواب میدهد : «همیاری صمیمانه توده‌ای ها و خلقی‌ها!»

این نتیجه‌گیری درواقع همان دومین مضمون «فحش‌نامه» ایست که روزقبل (۹فروردین) و روز بعد (۱۱ فروردین) دراین‌روزنامه چاپ شده است. آنچه این «ایادی ونوکران» می کنند در «فحش نامه» چنین آمده است:

«سطح تولید پائین و پائین‌تر آمد وقیمت‌ها بالا وبالاتر رفت و اجناس کمیوکم‌تر شد.»

(جمهوری اسلامی، ۱۱فروردین ـ ستون دوم)و «درگنبد،درگردستان، درخوزستان، دربلوچستان، درهمین تهران خلقی‌ها و توده‌ای‌ها از یکسو مراکز اقتصادی و فرهنگی را به اغتشاش می‌کشانند ....

(همانجا)

واین‌جاست که درپیوندبانظریه: «امریکا که نیست»، نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی به‌نتیجه طبیعی آن نظریه میرسند که : فئودال ها وسرمایه داران نه تنها عامل اغتشاش ها، آتش زدن ها، جنگ‌افروزی، گرانی و...نیستند، بلکه دراین حوادث نقشی هم ندارند.

نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی هنگام نگارش این «فحش‌نامه»چنان گرفتارموضعگیری سیاسی وهیستری ضد کمونیستی خود بوده‌اند که تنها فراموش کرده‌اند، هنوزهم‌محاکمه‌سرمایه‌داران بزرگ تبریز به اتهام ایجاد اغتشاشات اخیر در این شهردردادگاه انقلاب‌اسلامی‌تبریز ادامه دارد، بلکه آنچه راکه خود قبلا (زمانی که هنوز خط ضد ـ امپریالیستی دراین روزنامه جائی داشت) گفته‌اند، ازیاد برده‌اند. ما برای یادآوری واقعیتی که هیستری ضد کمونیستی آنرا از یاد نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی برده، به آنها کمك می‌کنیم. نویسندگان این روزنامه اگرشماره۲۷آذر۱۳۵۸روزنامه‌خود راورق بزنند، درصفحه ۹ باین تیتر درشت برمیخورند : «طرح استادرضااصفهانی درموردزمینهای مالکان بزرگ مورد تائیداست.» واین زیرتیتر درشت را بخوانند: « شورای به اصطلاح کشاورزی تهرای که عده‌ای از مالکین و زمینداران بزرگ‌ودستیاران‌طاغوت درآن عضویت دارند، مزورانه زیر پوشش اسلام از فئودالیسم دفاع کرده‌اند.»

نویسندگان این روزنامه آنگاه می‌توانند به روزنامه خود در تاریخ ۲۵ آذر مراجعه کنند ودر مقدمه مصاحبه‌بااستادرضااصفهانی، این اظهارنظر خودشانرا بخوانند که: «خودبخوداميد سرمایه‌داران، فئودال‌ها ووابستگان آنهابه‌تثبیت موقع خویش افزون میشود و این‌جاست که امروز پس‌ازگذشت ۱۰ ماه ازانقلاب کسی‌که دیروز بی‌هیچ سئوال وپرسشی‌می‌توانستیم ازآنهمه زمین‌وپول‌وسرمایه‌خلع‌ید سازیم، خودرا صاحب حق میداند و چون نیروئی در کنار نیروهای توطئه‌گر برابر انقلاب ایستادگی میکند.»

درادامه همین مقدمه میخوانیم: «آنهاکه خودتوقع وانتظاربرایشان ایجاد کرده‌ایم، (سرمایه‌دارها ، فئودالها ووابستگانشان) به همراه همه نیروهائی که به‌نحوی‌مخالفت باانقلاب رابرخود فرض کرده‌اند وبه همراه مرتجعینی که به برداشت های ایزدی گونه از بحث‌های فقهی دقیق در اسلام در زمینه مالکیت دارند، می خواهند تحول بنیادی ودگرگونی اساسی رادر کشاورزی مانع شوند.»

واگر اینهاهم کافی نیست ، نویسندگان این روزنامه بسخنان آیت‌اله خلخالی که بعداز حوادث گنبد درروزنامه خودشان چاپ کرده‌اند، مراجعه کنند و ببینند که آیت‌اله خلخالی بعداز حوادث گنبد فئودال‌هاراعامل آتش‌افروزی درگنبد معرفی کرده است یا توده‌ای هارا...

مانویسندگان روزنامه‌جمهوری اسلامی می‌پرسیم: ازسه ماه پیش تاکنون دراین‌ایران چه گذشته‌است؟ فئودالها وسرمایه داران بزرگ، که بنابه اظهار صریح خودروزنامه جمهوری اسلامی «دربرابر انقلاب ایستاده بودند»، آب شدند و به زمین رفتند ونابود شدند؟

نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی ناچارند به خوانندگان خود بگویند: چه شد که خطر سرمایه‌دارها وفئودال‌ها رفع شد و خطر کمونیست‌ها جای آنها را گرفت؟ راستی چه شد ؟

آمریکا خوب می‌فهمد

درمیان‌انبوه دشنامها وافتراهای روزنامه جمهوری اسلامی ، یك واقعیت دراعماق تاریکی سوسو میزند، که سیاست حزب توده ایران: «یك واقعیت جدید سیاسی است.» (ستون دوم) این واقعیت را «فحش‌نامه»نویس «بادلائل غیرقابل ردی»(!)چون: «تزویرشگفت‌آفرین چندش انگیز» رد میکند و باین نتیجه «مستدل»! می‌رسدکه این سیاست: «فریب» است.

ما می‌توانیم دهها‌تفسیرسیاسی نظیر این رااز روزنامه های آریامهری وبویژه ساکنان سابق محل‌فعلی‌روزنامه جمهوری‌اسلامی، یعنی «رستاخیز» ، بیاوریم. اما فحش‌دادن وبه‌ساواك وسیا آستناد کردن کارانقلابیون نیست.

ولی مابه نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی حق میدهیم که قادر به درك سیاست حزب توده ایران نباشند. تاکسی ازتجربه‌ای خونین وسراسر زندان، شکنجه، نبرد وشهادت نگذشته باشد، تا کسی درك عمیق ازمضمون عصرما نداشته باشد، تا کسی تجربه مبارزات خلق‌هارا دراختیارنداشته باشد ، تا کسی معنای واقعی امپریالیسم رادرك نکرده باشد (و در نتیجه فکر نکند که امریکا یك‌شبه شکست خورده است) تا کسی سوسیالیسم را نشناسد (و درنتیجه درحالیکه به‌مارکسیست‌ها فحش میدهد ، از آلنده دفاع کند) تاکسی به قوانین مبارزه طبقاتی‌آشنا نباشد، تاکسی‌بفرنجی اوضاع منطقه وایران رادرك‌نکند، البته که نمی‌تواند سیاست حزب مارا درك کند. سیاستی‌که برخلاف تصور تازه‌کاران تازه نیست واز همان آغاز تاسیس حزب ماتاکنون ادامه داشته وخون هزاران شهید توده‌ای آنرا بارورکرده است . تجربه‌ای که ریشه درنبرد مشترك خلقهای جهان باامپریالیسم دارد. این سیاست عبارت‌است‌از «تشکیل جبهه متحد خلق برای مبارزه با امپریالیسم، بسرکردگی‌امپریالیسم امریکا». زیرا دشمن اصلی ما ، همانطورکه امام بارها گفته است، امپریالیسم امریکاست که فقط دربرابر چنین اتحادی هیچ غلطی نمیتواند بکند .

وجه دیگر این سیاست تعمیق انقلاب ایران بسود خلق، بسود زحمتکشان و مستضعفین است . نتیجه سیاست حزب توده ایران پشتیبانی ازخط ضد امپریالیستی‌و خلقی امام است و همانطور که روزنامه جمهوری اسلامی اعتراف کرده، درپی این سیاست است که حزب توده ایران: «ازامام‌باحترام یادکرده» ومی‌کند.

این سیاست را، برخلاف نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی ، امپریالیسم خونخوار آمریکا در رابطه بامنافع خود بخوبی درك میکند ومیداندکه درك‌وتحقق‌سیاست‌حزب‌توده‌ایران ممنایش اتحادخلق است، که‌ریشه اورا ازخاك وطن‌ما خواهدکند. وبهمین خاطر است‌که‌نیروی‌خود را علیه سیاست‌حزب‌ما بسیج کرده است‌ودستگاه‌جاسوسی آن‌میکوشد در اذهان زود باوری که‌ازمسائل جامعه ایران ودنیاشناخت‌درستی ندارند، دشمن اصلی ایران را کمونیست‌ها معرفی کند.

چه‌کسی دروغ میگوید و فحش میدهد؟

روزنامه جمهوری‌اسلامی در مقدمه‌ای‌که تحت‌عنوان«اعتراض شدید حزب‌توده به‌تفسیر سیاسی توده‌ای‌ها می‌آیند»به«فحش‌نامه» قبلی افزوده، مارا به‌فحش دادن ودروغ‌گفتن متهم کرده‌است. ماازآنجاکه درشان انقلابیون نیست، به‌فحش‌های همین مقدمه ، یعنی «سوابق ننگین» ، «خیانت» ، «موضعگیری‌های فرصت‌طلبانه و ننگین» جواب نمیدهیم‌ودرعوض ازنویسندگان‌این‌روزنامه‌میخواهیم فقط یك‌فحش از هردومقاله‌ما را درجواب این روزنامه استخراج کنند وبه‌ما و به خودشان نشان بدهند وبگویندکه‌کجا مافحش داده‌ایم.

درهمین مقدمه‌آمده است‌که این روزنامه‌موضع‌گیری«پاره‌ای ازسازمان‌های سیاسی» رادرژریم شاه‌مخلوع‌تائید میکند.مادرجواب ازخوانندگان میخواهیم‌که به شماره‌های‌هفته‌نامه «مجاهد»مراجعه کنند تااززبان خود مجاهدین،که یك‌ماه پیش‌عینا مانند«حزب‌توده ایران درروزنامه‌جمهوری‌اسلامی بعنوان «عامل‌شوروی»معرفی‌شده بودند، مراجعه‌کنند، تامعلوم‌شود که چه‌کسانی «مسعود رجوی» را درزمان شاه‌مخلوع به‌همکاری با ساواك متهم‌کرده‌اند. ما بی‌نیازاز دروغ‌ودشنامیم، زیرادروغ‌آنهائی میگویندکه از سیمای درخشان واقعیت‌گریزانند. آنهاکه منطق ندارند، بافحش میدهند یادروغ می‌بافند. اگر روزنامه جمهوری اسلامی دراین اتهام‌زنی‌پافشاری کند، اززبان همان‌گروهها وبه‌نقل ازخود روزنامه جمهوری اسلامی نشان خواهیم داد که چه‌کسی دروغ می‌گوید.

دراین مقدمه همچنین آمده است‌که توده‌ای‌ها «پشت سوابق انقلابیون شهید» پنهان‌میشوند و «دم از مردان بزرگی‌چون مجاهدین شهیدخلق ایران» میزنند. بهتراست‌کما فیکه این افترا را به‌ما میزنند ، اسامی شهدائی راکه درمقاله‌گذشته ذکر کردیم، بخوانند وبامراجعه به تاریخ‌دریابندکه‌همه‌آنها‌توده‌ای بوده‌اند وهمه‌آنهادرپای‌چوبه‌های دار بافریاد ،

ـ زنده‌باد حزب توده ایران!

به‌شهادت رسیده‌اند.

ما بازهم به نویسندگان روزنامه جمهوری اسلامی کمك میکنیم و لیست توده‌ای‌هائی را، که بعدازکودتای ۲۸مرداد (از شهریورماه سال ۱۳۳۲ تاتیرماه سال ۱۳۴۷) به‌اتهام قیام برضد «سلطنت مشروطه» و... و درراه آرمانهای حزب‌توده‌ایران،توسط رژیم‌آمریکاـشاه شهید شده‌اند ، درزیرمی‌آوریم. لازم به‌تذکراست که دراین فاصله از غیرتوده‌ایها تنها شهید دکتر فاطمی و۳ شهید فدائیان اسلام وشهیدکریم پورـ شیرازی بدست رژیم آمریکاـشاه به‌شهادت رسیده‌اند. لیست ناقص ما نام **۵۴ شهید توده‌ای** رادر خود دارد وشامل شهدای بیشمار حزب قبل و بعداز این تاریخ نمیشود. افترازنان، بامطالعه‌این اسامی، درخواهند یافت‌که حزب شهدا احتیاج‌به‌پنهان شدن‌درپشت شهیدان دیگرندارد.

● نساوی وظیفه هوشنگ انوشه، مهناوی دوم خیری، ناوی وظیفه‌گهربار(اولین شهدای بعد ازکودتا)ـ شهریور۱۳۳۲.

● کوچك شوشتری‌شهادت در زیر شکنجه ـ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ .

● وارطان سالاخانیان ـ شهادت زیرشکنجه۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۳ .

● محمدتقی اقدام‌دوست ، علی‌بلندی،هرمزنیك‌راه،سبزعلی محمدپور، محمدتقی محبوب‌کاـ شهادت بدنبال حمله زندانبانان شاه مخلوع به زندان رشت ـ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۳۳ (قاتلان‌این‌رفقا درماههای آخر سال گذشته در دادگاه انقلاب اسلامی‌رشت بچرم قتل توده‌ای‌ها محاکمه وبه‌زندان های طولانی‌محکوم شدند).

● سرهنگ‌سیامك،سرهنگ مبشری، سرهنگ عزیزی،سرگرد عطارد، سرگرد وزیریان، سروان مدنی ، سروان واعظ قائمی، سروان شفا، ستوان افراخته ، مرتضی کیوان ـ اولین گروه رفقای عضوسازمان افسری حزب تودهٔ ایران ـ تیرباران ۲۷ مهر ۱۳۳۳ .

● سرگرد بهنیا، سروان نیاتی، سروان‌کلالی، سرگرد محبی، سروان کلهری، سروان مهدیان ـ دومین‌گروه رفقای‌عضو سازمان‌افسری حزب تودهٔ ایران ـ تیرباران ـ ۸ آبان ۱۳۳۳.

● سرهنگ کاظم جمشیدی، سرهنگ امیر افشاربکشلو، سرهنگ محمد جلالی، سرگرد جعفروکیلی، ستوان یکم محمد باقروالا، سومین گروه رفقای عضوسازمان افسری حزب تودهٔ ایران ـ اعدام، ۱۷ آبان۱۳۳۳

● سرگرد رحیم بهزاد، سرگرد ارسطو سروشهان،سروان هوائی‌اسمعیل محققزاده ، ستوان منوچهرمختاری، ستوان حسین مرزوان ، ستوان اسداله‌نصیری، گروه چهارم رفقای عضو سازمان افسری حزب تودهٔ ایران ـ تیرباران ۲۶مرداد ۱۳۳۳ .

● ستوان منزوی ، عضو سازمان افسری حزب تودهٔایران ـشهادت در زیر شکنجه ـ ۱۵ بهمن۱۳۳۴.

● آرسن‌آوانسیان،هوشنك رضوانی ـ تیرباران ـ ۲اردیبهشت ۱۳۳۷.

● خسرو روزبه ، عضو کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران ـ تیرباران ـ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۳۷ .

● کلانتری ، فروغی ، زهتاب ، جهانبان ، عظیم‌زاده ـ تیرباران‌درتبریز ـ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۳۹ .

● ستوان حسین قبادی ـ تیرباران ـ ۲۲تیر۱۳۳۳.

● کالوست زاخاریانس، جهانگیر باغداریان ، خورن قاراخانیان ـ تیرباران دراسفند ۱۳۳۳ .

● حسین حریری اصلی ـشهادت زیرشکنجه ـ ۱۳۳۴.

● سرگرد حسین رزمی، محمدحسین معصوم‌زاده ـ شهادت توسط ساواك ـ سال۱۳۴۷.

«جرم» همه این شهیدان، همان «جرم» حزب توده ایران است : میدانستند ومی‌دانند. بنفع انقلاب مبارزه فداکارانه وجانبازانه در راه استقلال، آزادی، ترقی ورفاه مردم ایران !

این‌واقعیت راشیطان بزرگ ـ امریکا و خاندان منفور پهلوی میدانستند. ومی‌دانند. بنفع انقلاب ایران است که روزنامه جمهوری اسلامی هم ـ که خود را مدافع انقلاب میداند ـ این‌واقعیت رابداند، ونه فقط بداند، بلکه در سیاست وروش خود مورد توجه قرار دهد .

حل مساله...

بقیه ازصفحه ۱

هیئت ویژه‌ای برای اجرای عملی پیام امام تشکیل شد وبه اقدامات معینی دست زد. مذاکرات مفصل وطولانی‌دراطراف‌طرح‌خودگردانی کردستان ومواد مختلف‌آن‌صورت گرفت. ولی متاسفانه دیده میشود که دربه ثمررساندن مذاکرات پیگیری لازم بعمل نیامده است .

البته واضح است‌که امپریالیسم امریکا وضدانقلاب داخلی (چه عناصری نظیر «کومله» ، سپاه رزگاری، دست نشاندگان حامد فرزند محمد طاهربیك وثلاث خانی وغیره درمنطقه کردستان و خاك عراق از یکسو، چه بعضی عوامل ضدانقلاب که درنهادهای انقلابی چون سپاه پاسداران وجود دارند ازسوی‌دیگر)ازدسیسه وتحریکات وخرابکاری دست‌برنخواهندداشت. لیکن نباید به قطع اینگونه تحریکات وخرابکاریها امیدبست، منتظر نشست ویا بدام تحریکات افتاد واز خط مشی اصولی حل سیاسی مسالمت‌آمیزمسئله منحرف شد، بلکه باید مذاکرات سازنده واقدامات عملی رادراین جهت با پیگیری پیش برد وبه‌نتیجه‌رساند.

آقای بنی‌صدر رئیس جمهور در سخنانیکه بمناسبت نخستین سالروز جمهوری اسلامی ایران ایراد کرد، به قطعنامه ٦ ماده‌ای حزب دمکرات کردستان اشاره کردکه‌درهیئت‌ویژه موردرسیدگی قرار گرفته است.

رئیس جمهور گفت: «این‌هیئت اصلاحاتی رادر قطعنامه لازم دید. آن قطعنامه واین اصلاحات رابمن دادند. من برسر حرف خود ایستاده‌ام.»

سپس رئیس جمهور باتذکر به لزوم نظام وامنیت تاکید کردکه: «پس ازآنکه نظم وامنیت در آن سامان مستقر شد، مابوعده خود عمل میکنیم. مامردمی هستیم که به‌عهد خود وفا میکنیم و فرمان امام راعینا ودقیقا درآن سامان و درهمه استانهای کشور به اجرا درمی‌آوریم».

البته خواستهای بحق خلق‌کرد، باید براساس پیام‌تاریخی امام‌خمینی درجهت رفع هرگونه ستم ملی به آنها پاسخ شایسته داده شود ، آنطور که آقای بنی‌صدر اشاره کردند، فقط به مسئله «گرایش به مذهب شیعه وگرایش به مذهب سنت» مربوط نمی شود . نسبت به این خواستها ، که موضوع مذاکرات مفصل وطولانی هیئت ویژه ونمایندگان خلق‌کرد بوده است، باید توجه شایان مبذول داشت. باید آن موادی از «طرح خودگردانی» کردستان را که موردتوافق‌است، رسماپذیرفت، اعلام‌کرد واقدام به پیاده کردن آنها نمود. درآنصورت است که می‌توان به صداقت گروههائیکه بازهم بدسیسه و تحریکات و خرابکاری ادامه دهند، تردید داشت.

برخورد غیرجدی به‌خواستهای بحق خلق کرد، فقط می تواند بهانه‌ای دردست عناصرضدانقلاب درداخل وخارج کشور گردد.

بنابه نظر درست کمیته‌مرکزی حزب توده ایران: «شما حق خلق کرد را بدهید، همه خلق کرد پشمرگ شما خواهند شد و نقشه ضدانقلاب نقش برآب‌خواهد گردید». راهی جزاین برای حل مسئله کردستان وجود ندارد.

ازاینرونیز کمیته مرکزی حزب توده ایران دراعلامیه خود «درایت امام روشن‌بین و السالدوست را» بیاری طلبید «تابار دیگر بادستور قاطع خود راه رابرجنگ افروزان سد کنند ومسئولان اموررا به اجرای پیام تاریخی خودفراخوانند»

طبق آخرین اطلاعی که بدست آمده است، حجت‌الاسلام کرمانی نماینده رهبر انقلاب امام خمینی هم‌اکنون درغرب کشور بمذاکره بارهبران حزب دمکرات کردستان مشغول است. وظیفه تاخیر ناپذیر همه نیروهای انقلابی و اصیل کردستان، مانند سایر سرزمینهای ملی و استانهای دیگر ایران ، اینست که به پیروزی‌این‌مذاکرات یاری کنند.

مسأله اموال غارتی شاه مخلوع...

بقیه ازصفحه ۱

انتقال شاه‌مخلوع به‌مصر ، دفن کنند و خلاصه همه پرونده را ببندند.

اهمیت این مسائل، چون مستقیماً به‌آینده ایران‌مربوطند، بمراتب بیش از اهمیت استرداد شخص شاه‌مخلوع است. میلیاردها پولی‌که شاه‌مخلوع و نزدیکان او در اختیار دارند، هرروزبرای بسیج مزدوران، تسلیح‌آنان و ایجاد شبکه‌های توطئه‌وخرابکاری درداخل ایران صرف میگردد. نفعی‌که شاه‌مخلوع ونزدیکانش از سرمایه چندده میلیاردی خود میگیرند، ازبودجه دولتی‌بسیاری از کشورهای جهان بیشتر است. آنان میتوانند با این پول همان بازی خطرناکی را که دشمنان انقلاب‌درافغانستان‌براه‌انداخته‌اند، درایران براه بیندازند.

توطئه‌ها وخرابکاری‌هائی که تاکنون درنقاط‌مختلف‌کشورروی داده وبرخی‌ازآنان‌افشاشده،حاکی است‌که شاه‌مخلوع ودستیارانش محل‌مصرف‌پولهای‌دزدی‌رایافته‌اند. شاه‌خائن‌هم بیش‌از آنکه برای جراحی‌طحال «همایونی» به مصر آمده‌باشد، برای ضربت‌زدن بر پیکرانقلاب ایران قاهره راستاد عملیاتی‌خود قرارداده‌است.

ایادی شاه مخلوع درداخل، علاوه برتوطئه و خرابکاری، با پخش همان پولها برای ایجادجو تهمت وافترا ونفاق‌افکنی، کار ضدانقلاب‌مهاجر راتسهیل‌میکنند. بیهوده نیست که در این لحظه حساس حمله بر انقلابیون ، با همان شیوه‌ها وکلمات و روشهای آریامهری، تکرارمیگردد .

بازگرداندن‌ثروتهای کلانی که شاه مخلوع و همدستانش از ایران دزدیده و برده‌اند، باید، قبل از هرچیز از این دیدگاه مورد بررسی قرارگیرد. با سلب امکانات اقتصادی ازضدانقلابیون مهاجر، بسیاری ازهمدستان‌آنان درداخل‌کشور را نیزمیتوان‌خلع سلاح نمود.

ثروت‌کلانی‌که شاه مخلوع‌و همدستانش از ایران دزدیده و برده‌اند ، نتیجه دسترنج مردم زحمتکش ، محروم و ستمدیده ایران است. این ثروت باید به ایران بازگردد و باری از دوش این مردم محروم بردارد. این ثروت باید بازگردد و صرف بازسازی‌ونوسازی‌اقتصادآشفته‌ای که میراث دزدان‌این ثروت‌است، گردد . نباید اجازه داد که این دزدی تاریخی خاتمه یافته تلقی شود.

متأسفانه باید گفت که مسئولان امور دولتی تاکنون در این‌مسئله نیز، مانند استردادشاه مخلوع، کوچك‌ترین موفقیتی نداشته‌اند.

چند ماه پیش وزارت امور اقتصادی و دارائی اطلاعیه‌ای در مورد یك رقم‌از دزدیهای‌خاندان پهلوی انتشار دادکه درآن‌گفته می‌شد، «خانواده پهلوی ۷۴ میلیارد و ۷۸۷ میلیون ریال از بانکها وام‌گرفته‌اند»، که شاه مخلوع قریب ۴۰ میلیارد ریال ، شمس پهلوی ده میلیارد ریال ودیگران هر یك بفراخور خود دراین دزدی سهم‌داشته‌اند. (کیهان۵۸/۱۰/۶).

کمیته تحقیق مأمور بررسی دفاترحساب‌شرکت ملی‌نفت‌ایران اسنادی بدست آوردکه نشان می‌دادکه تنها درسال ۱۹۷۶ یك میلیارد دلار ازمنافع این‌شرکت به محمدرضا داده شده است. (اطلاعات ۳دیماه۵۸).

دارایی شاه مخلوع و نزدیکانش که‌امروزدرکمال‌آزادی از این قدرت اقتصادی بسر ضد انقلاب ایران استفاده می‌کنند ، بین۲۰الی۵۰ میلیارددلارتخمین زده می‌شود.

استردادشاه مخلوع واموال غارتی او، چنانکه دانشجویان مسلمان‌پیروخط‌امام«درپرنجنامه» خود نوشته بودند ، بایستی «نه بشیوه سازشکارانه ، بلکه بشیوهٔ انقلابی»انجام میگرفت. نتیجه‌ای‌که این شیوه سازشکارانه تاکنون بدست داده، چنانکه آنرا هم بدرستی دانشجویان متذکر می‌گردند ، «پیروزی دشمن برماه» بوده‌است.

ما باید نه تنها از طریق تمام مراجع قانونی وسازمانهای بین‌المللی ، بلکه همچنین با بسیج افکار عمومی‌جهان، امکان استفاده ازاموال‌مسروقه رابرای شاه مخلوع وضدانقلابیون مهاجر منتفی ویا لااقل محدود سازیم.

امپریالیستهای آمریکایی تمام هزینه مساجراجویهای خودشان در ایران را ـ بگفته امام‌خمینی ـ ازجیب ملت‌ایران میپرداختند . امپریالیستهای آمریکا اکنون نیز اموال غارتی شاه مخلوع و خانواده‌اش را به منبع مالی‌برای اجرای نقشه‌های تجاوزکارانه خود بر ضد انقلاب ایران تبدیل کرده‌اند.

مردم ایران که‌تاکنون شاهد اقدامات بی‌نتیجه دولت‌ایران در زمینه استردادشاه مخلوع‌بوده‌اند، میخواهند بدانندکه مسئله بازگرداندن‌اموال غارتی‌شاه‌مخلوع، خانواده پهلوی و ضدانقلابیون مهاجربه‌کجارسیده است؟

هنوز دولت ایران هم رقم رسمی اموال غارتی‌این‌خائنان را منتشرنکرده است. هنوزآمد و رفت و ارتباط بین سازمانهای مهاجران ضدانقلابی و همدستان آنها درداخل ایران قطع نشده است. اینان درایران‌برای توطئه وخرابکاری و نفاق‌افکنی به‌ریال خرج میکنند ودرخارج ازکشور به‌دلار پس می‌گیرند .

وسعت عملیات وتبلیغات‌ضد انقلاب نشان میدهدکه منابع‌مالی عظیمی‌دراختیاردارد. بازگرداندن اموالی‌که شاه‌مخلوع و نزدیکانش (ازلشکری وکشوری) از ایران برده‌اند، یك‌اقدام انقلابی است که بایدباشیوه‌انقلابی‌انجام‌گیرد، **باخواهش وتمنا از امپریالیسم** آمریکا نمیتوان اموال غارتی را ازشاه‌مخلوع و اعوان وانصارش پس‌گرفت ،

چوباسفله‌گویی به‌لطف‌وخوشی
فزون‌گرددش کبروگردنکشی

تمام قراردادهای اقتصادی ونظامی اسارتگر امپریالیستی بایدلغو شود

www.iran-archive.com

ورزش و زندگی شهری - ماشینی

ورزش و مردم

طی بحث‌هائی که در ستون جدید ورزش و «مردم» آغاز کرده‌ایم، تاکنون پیرامون مسائل مختلفی چون رابطه ورزش بانظام اجتماعی، فرهنگ، آموزش وپرورش وروانشناسی به‌گفتگو نشسته و دراین رابطه‌مقولاتی‌چون‌بازی، مفهوم ورزش وشخصیت ورزشی را توضیح داده‌ایم. اینك بـه‌بحث درباره ورزش و جهان صنعت می‌پردازیم.

در دنیای پیشرفته صنعت، ورزش بعنوان یك‌پدیده‌شگفت‌انگیز، مورد توجه اقشار مختلف قرار گرفته است. همه از ورزش وآثار خلاق‌وسازنده‌اش صحبت میکنند. کوچکترین حرکات‌ورزشی باذوق وشوق مورد بررسی علاقمندان و دوستداران ورزش قـرار میگیرد. بازتاب رویدادهای ورزشی دررسانه‌های گروهی، بخش‌های عمده‌ای ازنشریات ومجلات‌را بخوداختصاص‌داده است. ایستگاههای رادیوئی وتلویزیونی نیزدرانعکاس رویدادهای ورزشی‌باهم‌به‌رقابت برخاسته‌اند. پخش مسابقه‌های‌ورزشی، بازیهای المپیك وجام‌جهانی فوتبال، توام بااخبار و تفسیرهای ورزشی مؤیداین‌گفتارو واقعیت است‌که نیاز روز افزون مـردم به‌ورزش وتعقیب جریـانات آن، رسانه‌های گروهی را ناگزیر به‌اجابت از استقبال میلیونها نفوس پشری‌کرده است تا به‌بهترین شکل ممکن دوستداران و علاقمندان به‌ورزش را درقاصی نقاط‌گیتی راضی وخوشحال نگهدارند.

اوج بازتاب‌مسائل‌ورزشی‌بهنگام‌بازیهای‌المپیك‌ومسابقه‌های جهانی فوتبال است. بهنگام بازیهای‌المپیك مونترال، سال۱۹۷۶ رقابت‌هـای شگفت‌انگیز و مسحورکننده ژیمناست‌های‌کشورهـای سوسیالیستی، که بابرتری‌کامل برجهان سرمایه‌داری‌غلبه‌کرده‌بودند بیش‌از هرویداد دیگرتوجه جهان ورزش را بخود جلب‌کرده بود. ستاره این بازیها، که دختری نوجوان بنام «نادیاکـومانچی»، از رومانی بود، بااجرای دشوارترین حرکات، توام بازیبائی و تسلط کامل براعصاب، بیش‌از هرقهرمان دیگر توجه جهانیان را بخـود جلب‌کرده بود. نمایش عالی وشگفت‌آور او ورقبای مستقیمش از اتحاد شوروی، بعنوان یك‌عینیت جاذب ونافـذ برروحیه میلیونها دختروپسرنوجوان اثرگذارده بود، تاآنجاکه مسئولان ناتـوان و درمانده ورزش ایران را، بویژه دررشته ژیمناستیك، عاجزازقبول تقاضای روزافزون مردم برای تشکیل کلاسهای‌آموزشی‌کرده بود.

ورزش و جهان صنعت

برای‌آنکه به‌اهمیت ورزش وآثارخلاق وارزنده‌اش‌درجهان صنعت پی‌ببریم، کوتاه ومختصر از اوائل قرن‌نوزدهم صحبت‌میکنیم که واقعیت‌های مملوس ازثمرات ورزش درجوامع صنعتی، بیشترو بیشتربرای خوانندگان وپژوهندگان مسائل ورزشی روشن شود.

ازآغاز قرن نوزدهم، توسعه وگسترش صنعت درشهرهاسبب مهاجرت روستائیان از روستاها بشهرهاگردید وبهمان‌اندازه‌کـه صنعت‌رو به‌رشد مینهاد، این هجوم ومهاجرتها افزایش پیدامیکرد. برابرآمارهای بین‌المللی، درسال۱۹۰۰ـ۷۱درصد ازمردم‌جهان درنقاطی زندگی میکردندکه جمعیت‌آنان‌کمتر از ۲۰هزارنفربود. ولی امروز این رقم تا۵۱درصد کاهش یافته است.

بررسی جامعه ایران وچگونگی رشد وتکامل‌آن در۵۰سال گذشته، این مسئله را روشن میکندکه‌کشورما نیزهمان راهی‌رارفته که جوامع صنعتی غربی‌درقرون‌گذشته طی‌کرده بودند. ماهم‌باهمان دشواریها روبروشدیم‌که جهان صنعتی غرب درقرون‌گذشته ازسرـ گذرانده‌اند، منتهی باسرعتی بیشتروبهمان نسبت نیزجامعه‌ما بـا مشکلات ومسائل پیچیده‌تری روبروست، که نیازمبرم به‌پیشگیریها وچاره‌جوئی مؤثر دارد. دررابطه باموضوع مورد بحث‌ما نیز اگر طرحهای ورزشی بموقع تدوین وپیاده نشود، بااشکالات‌ودشواریهای بزرگی روبروخواهیم شد.

نمودارهای مرکزآمار ایران درسالهای ۳۵ و ۴۵ و ۵۵ گرایش روزافزون مردم را ازروستاها بشهرها، بازبان عدد ورقم بما نشان میدهد. درفاصله سالهای ۳۵و۴۵ (مدت ده‌سال) جمعیت دهات از ۱۳ میلیون به۱۵میلیون نفررسید، ولی‌جمعیت شهرها از ۵میلیون به۹میلیون‌نفر ترقی‌کرد. ازدیادکل جمعیت ۶/۸میلیون نفربوده است.

در واقع، با توجه به تعدادکم شهرها وبیش از۶۰هزارده، معلوم میشودکه بین این دو هیچ نسبت مطلوبی وجـود ندارد. در فاصله ده‌سال، یعنی۴۵ تا۵۵ نیزجمعیت‌کل‌کشور ۷/۸ میلیون نفر زیادترشد وازاین رقم جمعیت دهات ۲/۵میلیون نفـر و جمعیت شهرها ۶/۵میلیون نفربیشترگردید. یعنی‌همان‌گرایش نـامطلوب ادامه یافت وتشدید شد.

درباره علل وپیامدهای پدیده مهم مهاجرت روستائـی در اینجا بحث نمیکنیم. فقط در مقطع مباحث ورزشی خـود یادآور می‌شویم‌که مسائلی‌چون تراکم‌جمعیت، مسکن، تغذیه، تأمین‌بهداشت وفرهنگ ازجمله مشکلات ناشی‌ازآن است‌که خواه ناخواه فضای آزاد برای تنفس‌راکمتر ومحیط‌کار وفعالیت را دشوارتر میکند، تا آنجاکه‌کثرت وسائط نقلیه و ازدحام جمعیت به گونه‌ایست‌کـه امکان حرکت راحتی درپیاده روها ازمردم سلب میکند.

زندگی‌ماشینی‌ضمن ایجاد تسهیلاتی برای انسان، سبب کم‌کاری ارگانیك اندام می‌شود. وسائل ماشینی ابتدائی‌ترین کارهای انسان را درخانه ورفت وآمد درشهرانجام میدهد وانسان‌پرتحرك جوامع نخستین‌را تبدیل به موجودی کم‌تحرك یا بی‌تحرك می‌کند، که ادامه زندگی‌را، با همه امتیازات ماشینیسم، بـرایش سخت و دشوار میسازد.

تفریحات یك چنین انسانـی، بـا تفریحات روستانشینان تفاوت دارد. راه‌پیمائی درآغوش طبیعت واستفاده ازامکانات طبیعی جایش‌را به‌گوشه‌نشینی دراتاقهای دربسته پای رادیـو وتلویزیون میدهد ویا احتمالا درسینماها ومیهمانی‌دوستان. بااین‌ترتیب، تغییر مکان زندگی ازده بـه شهر، ضمن اینکه انسان را از امتیازات شهرنشینی‌بهره‌مند می‌سازد، ازتلاش‌های جسمی‌انسان وتماس‌مستقیم با طبیعت وتحرك بدنی‌میکاهد.

اگرچه بهره‌جوئی انسان اززندگی‌شهری وماشینیسم‌فعالیت های جسمانی‌راکم‌کرده است، اما در ذات و نهاد وغریزه طبیعـی انسان ومیل اوبه فعالیت‌های جسمانی تغییری وارد نساخته‌است. بعبارت دیگر ، نوع و شکل زندگی انسان زیـر تأثیر ماشینیسم تغییر بنیادی یافته است، اما تغییری درخـواص وظائف انـدام نداده است.

با توجه به یك اصل کلی زیست‌شناسی دایـر براین کـه ساختمان بدن انسان وتوانائی‌انجام حرکات ومقاومت ارگانهـای مختلف آن، بستگی به بکارگماردن‌کمی‌وکیفی‌آن دارد، نتایج‌منفی کمبود فعالیت های بدنی، یا پدیده‌ای کـه «فقر حرکت» نامیده میشود، درزندگی‌انسان شهری بخوبی‌نمایان وآشکاراست.

فقرحرکت وناراحتی‌های ناشی از آن، کـه معلول زندگی شهریست، سبب بیماری‌های‌گوناگون درارگانیسم بدن انسان‌میشود ضعف اعصاب، تغییرشکل ستون فقرات، ضعف‌پا، عدم توانائی‌کافی برای تمرکزقوای دماغی، که ناشی ازکمبود حرکات طبیعی‌است، و اضافه براینها تغذیه نامنظم وغیربهداشتی از حیث‌کمیت وکیفیت، استعمال‌دخانیات ومواد الکلی‌وبهم‌خوردن وضع خواب واستراحت وامثالهم(که درزندگی روستائی‌تابع نظم طبیعی‌است و زیـر تأثیر طبیعت‌کار، شکل اصولی ومنطقی‌دارد) درجوامع شهری بشدت‌رایج است‌وبشررا با عواقب بیشماری روبروکرده‌است.

سکته های قلبی، یکی ازمظاهر زندگی ماشینی قرن بیستم است. درصد این‌نوع بیماریهادر روستاها، بعلت حـرکت مداوم و کامل انسان روستائی وتماس باطبیعت، بسیار نادر و فوق‌العاده‌کم است، ولی این بیماری درشهرها، بخاطرفقرحرکت، سبب‌پژمردگی سلولها و یاخته های اندام میشود، که علاوه برافزایش روزافزون پیه‌وچربی دورشکم‌وقلب وریه، باعث چاقی‌های عمومی ودرمواردی موضعی میگردد ، که حرکت ، سیلان وگردش خون را بطئی‌کرده، موجبات‌سکته‌های‌قلبی ومغزی‌را فراهم میآورد. بهمین‌علت‌است‌که افرادی که‌گرفتارچاقی‌های‌موضعی‌ویاعمومی‌هستند، بهنگام مراجعه‌به پزشك دستورمیگیرندکـه برای رهـائی ازاین ناراحتی، حرکت جسمی خودرا بیشترکنندوپیاده روی‌را دربرنامه فعالیت‌های‌روزانه خود بگنجانند، که اجرای صحیح وبموقع‌آن، بیمارانی‌راکه دچار چربی خون و اسیدئوریك وچاقی های موضعی وعمومی ونظائرآن هستند، شفا می‌بخشد.

وقتی «فقرحرکت» لااقل با پیاده روی ویا باسایر ورزشها ازبین برود، تمامی سلولها، ویاخته های انسان بحرکت درمیآیدو شدت وافزایش حرکت‌واستمرارآن درزمانی طولانی، باعث ازبین رفتن‌چربی‌ها بویژه درعروق انسان میشود، که میتواند بمقداربسیار قابل‌توجهی ازمرگ ومیرهای ناشی از افزایش چربی درعروق و سکته های مغزی و قلبی جلوگیری‌کند.

بهرحال فقر حرکت درجوامع شهری قربانی های‌بیشماری داده است، که‌آمار وارقام بیانگرآنست .

تعداد مرگ های ناشی‌ازامراض درشرایط امروزی ۳ تا۴ برابربیشترازحوادث‌اتومبیل وفوت‌ناشی ازسرطان است. درشرایط نامتعادل‌نظام سرمایه داری، هرقدرجوامع صنعتی‌رشد پیدامیکنند، تعداد مرگ ومیرهای ناشی‌ازسکته های قلبی و مغزی، بعلت فقر حرکت، درآنها بیشترمیشود .

مثلا درآمریکا ۶۰۰ هزار، دراروپا بیش از۲۰۰ هزار و درفرانسه به‌تنهائی بیش از۵۰ هزار نفر بعلت ناراحتی های قلبی می‌میرند. فقط‌درهفت ماه‌اول سال ۱۹۷۰، درفرانسه هشت هزارتن بعلت حادثه اتومبیل ازبین رفته‌اند ، درحالیکه بیش از بیست و دوهزار وپانصد تن درهمین مدت بعلت سکته قلبی فوت‌کرده‌اند . تعداد سکته‌کنندگان قلبی در آلمان غربی بسال ۱۹۷۰ به یکصد هزارنفر رسید، درصورتیکه مرگ‌ومیرناشی ازسکته قلبی درهمین کشور بسال ۱۹۴۹ فقط ۱۴۰۰۰ نفربوده‌است.

علاوه براین مسائل، ترس و ووحشت ونگرانی ازآینده‌در شرایط نظام سرمایه داری، که انسان زیرسلطه ستم و بهره‌کشی را همیشه باعدم اطمینان ودامنه روبرکرده ومیکند، اثر ویرانگری برروی مغز وسلسه اعصاب میگذارد، که درمواردی، شدت بیماری موجب سکته مغزی و قلبی میگردد.

امادر آنچه‌که‌مربوط‌به«فقرحرکت» است ، انسان میتواند آگاهانه، باتوسل به‌ورزش، برعواقب ناشی‌اززندگی ماشینی‌شهری وتماس‌کمتر باطبیعت، تاحد ممکن غلبه‌کند .

حمله به کیوسك نشریات حزب تودهٔ ایران در قروه

در ساعت چهـارصبح روز ۱۳۵۹/۱/۵ ضد انقلاب‌کیوسك نشریات حزب‌تودهٔ ایران درشهر قروه را منفجر کرد.

درهمب گذاری که روز ۵۹/۱/۵ توسط ضد انقلاب صورت‌گرفت ، قسمتی از کیوسك نشریات حزب تودهٔ ایـران متلاشی شد. براثر این انفجار شیشه هـای ده مغازهٔ اطراف‌کیوسك تماما فروریخت‌و تا شعاع ۵۰ متری نیز خساراتی به مغازه‌هـا وارد شد .

همچنین شیشه های اتومبیل پیکانی‌که درفاصلهٔ‌ده‌متری‌کیوسك قرارداشت،شکسته شده ودرنتیجه خسارت زیادی به سازمان حزب تودهٔ ایران در قـروه و صاحبان مغازه ها وارد شد .

سازمان حـزب توده ایران در قروه طی شکایتی به دادسرای انقلاب اسلامی شهرستان قـروه، خواستاررسیدگی‌به‌حادثه،شناسائی ومجازات مسببین‌آن شد.

شایان ذکر است‌که‌این‌عمل ضد انقلابی ازجانب اهالی‌شهرو همچنین‌انجمن جوانـان مسلمان قروه نیزمحکوم شده است .

تسلیت

باکمال تاثراطلاع یافتیم‌که رفیق **رجبعلی‌پورقهرمانی‌نژاد**، روزپنجم فروردین ماه درسن۵۸ سالگی وفات یافت.

رفیق پـور قهرمانی ازسال ۱۳۲۳ به‌صفوف حزب‌توده‌ایران پیوست وتاپایان عمر به‌آرمان‌ـ های حزب وفادار باقی ماند .

«نامه مردم» درگذشت‌رفیق پورقهرمانی را به بازماندگان و همرزمـان رفیق فقید صمیمانـه تسلیت میگوید .

از کمکهای رفقا دوستان سپاسگزاریم

جاهد ۱۰۰۰۰ ریال

میرك نوشته است:

«پولی‌راکـه ازعیدی جمع کرده‌ام (۱۵۰۰۰ ریال) بعنوان کمك در اختیار حـزب پـدرم میگذارم . »

توجه! ازهمه‌دوستانی‌که به‌هریك ازحساب‌های بانکی حزب توده‌ایران وجهی‌واریز می‌کنند، خواهشمندیم‌فتوکپی رسید بانك رابرای ما ارسال دارند

از انتشارات حزب‌توده‌ایران
منتشر شد
مسائل معاصر آسیا وافریقا
تألیف دانشمند بزرگ
ر.اولیانفسکی

هنوز،مشی‌چریکی جدا از توده
حیدر مهرگان

پیکه نینی گـه‌دا
(خنده گدا ـ به‌زبان‌کردی)
حسن قزلچی

اخبار کارگری

اخراج یك کارگر ۶۱ ساله!

چندی پیش یکی از کارگران کارخانه کنادادرای مشهـد به‌بهانه «دعواکردن» در محیط کار اخراج شد ! این کارگر که ۶۱ سال دارد، خواهان آنست که دوباره به‌سرکار خودبرگردد و چند صباحی دیگر کارکند تاشاید از حقوق بازنشستگی استفاده کند ، او مدعی است که دریك درگیری فقط نقش میانجی‌داشته و در دعوا دخالت نکرده‌است.

مدیریت کارخانه طی نامه‌ای از اداره کار تقاضا کرده ، ترتیبی داده شود تا او دیگر به‌کارخانه مراجعه نکند و باعـث «اخلال» نگردد!

این کارگر یکبار هم طی نامه مشابه دیگری در اردیبهشت ۵۸ از کارخانه اخراج شده بود، که دوباره به‌کار گمارده‌شد .

بدیهی است در محیط کار ، باتوجه به مشکلات کار ، نارسایی و مسایل گوناگون ، همواره امکان مشاجره بین افـراد وجود دارد. پایان بخشیدن به‌این مشاجرات در گرو ریشه‌یابی این اختلافات و حل و فصل آن براساس ضوابط مشخص از طرف هیات‌های ذیصلاح است . بگومگوهای گذرا ، که باتفاهم وبسود کارگران بسادگی قابل حل هستند ، هرگز نباید بمثابه چماقی برای سرکوب افراد متخلف بکار گرفته شوند. اخراج یك‌کارگر ۶۱ ساله ، که علی‌الاصول نمی‌تواند زورگور و مخل امر تولیـد باشد ، بهیچوجه متناسب با تخلفی درحد یك مشاجره نیست.

به خواست قانونی کارگران فصلی کارخانه قند شیرین رسیدگی کنید!

عده‌ای از کارگران فصلی کارخانه قندشیرین ـ که تعداد کل آنها متجاوز از یکهزار نفر است دراسفند ماه گذشته دراداره کل کار و امور اجتماعی خراسان اجتماع کردند.

کارگران می‌گفتند : «ما حق‌مان را می‌خواهیم . ما همگی حدود ٤ ماه دراین‌کارخانه کار کرده‌ایم ، اگرقرار باشد برای‌هر ماه ٦ روز سود ویژه از قرار روزی ۵٦۷ ریال ـ پرداخت کنند ، درمجموع به حدود ۱۴۰۰۰ ریال بالغ می‌شود. متاسفانه مسئولین امر ، سود ویژه را باتوجه به‌دستمزدهای سال ۵٦ به حساب آورده‌اند که مقدار آن حدود نصف مبلغ واقعی‌است».

در لحظه کنونی ، عمده‌ترین خواست کارگران پرداخت سودویژه است . ولی تقاضای کارگران اینست‌که خواستهای دیگرآنهاازقبیل‌رسمی‌شدن‌وپرداخت حق اولاد و... نیز موردرسیدگی قرار گیرد.

در این کارخانه ، بجز کارگران دائم ، عده‌ای هم هنگـام بهره‌برداری استخدام میشوند و بعد از خاتمه بهره‌برداری به‌خیل بیکاران می‌پیوندند. تعدادی از این کارگران حدود ۱۵ سال‌سابقه کاردارند . وخواهان آنند که به‌استخدام رسمی کارخانه‌درآیند.

در مورد پرداخت حق اولاد و دیگر مزایا ، نظر مسئولین کارخانه اینست که :

«طبق‌قوانین موجود، شرط استفاده ازاین مزایا آنست که کارگر باید حداقل ۷۳۰ روز سابقه بیمه شدن داشته باشد».

پیشنهاد درباره کارخانه قند دزفول

بدنبال طرح پاره‌ای ازمشکلات‌کارخانه قند دزفول درنامه «مردم» شماره ۱۶۹، اخیراً اطلاع حاصل‌کردیـم‌کـه یك هیئت برجسته ازکارشناسان مواد غذائی، مونتاژ وساختمانـی از طـرف سازمان «گسترش و نوسازی صنایع» جهت رفع مشکلات به ایـن کارخانه اعزام شده‌است.

نامه«مردم» ضمن اظهار خوشوقتی از این اقـدام، پیشنهاد می‌کندکه:

۱ـ هرچه زودتر وقفه‌های ناشی از عدم هماهنگی مدیریت درامور اجرائی‌برطرف‌گردد.

۲ـ ترتیب ارسال ماشین‌آلات ازگمرك‌های «پـراك» و «سالزبورك» هرچه زودتر داده شود.

۳ـ درمورد عدم حضور عمدی‌کارشناسان‌آلمان غربی جهت ادامه‌کار پروژه‌های مورد تعهدآنان تصمیم قطعی‌اتخاذ شود.

۴ـ بتمام شایعات‌درمورد اخراج بموقع‌کارگران‌این‌واحد که توسط عوامل ضدانقلاب درسطح‌کارگاه پخش‌می‌شود، خاتمه‌داده شود، تا بدین‌وسیله سطح‌کارآئی‌کارگران بالا رود.

۵ـ همزمان با اتمام طرح، کلاسهای‌آموزشی‌جهت‌کارگران واجد شرایط، برای ادامه‌کار بعد ازبهره‌برداری تشکیل شود. و به موازات این امر، واگذاری زمین‌های مصادره شده درباریان و فراریان وابسته به رژیم سابق، درمنطقه به آن دسته ازکارگران‌که تمایل به‌کارکشاورزی دارند، آغاز وبرای آندسته ازکارگران که کارآنان دراین پروژه به پایان می‌رسد، درسایر واحدهای‌سازمان گسترش ویا دردیگرکارخانجات ملی‌شده، کارفراهم سود، تا امنیت شغلی برای ایندسته ازکارگران نیزفراهم‌گردد.

۶ـ کلیه ضوابط دست وپاگیر، که علت سوءمدیریت وضع شده، ملغی‌شود.

توضیح: درکارخانه تخته فشرده‌شمال

اداره کل کار و امور اجتماعی مازندران ، طی نامه‌ای کـه فتوکپی آن از طریق اداره ارشاد ملی آن استان برای نامه «مردم» ارسال شده ، در رابطه‌باگزارش‌مندرج درشماره ۱۲۸ نامه «مردم» تحت عنوان «درکارخانه تخته فشرده شمال چه‌می‌گذرد» ، مطالبی عنوان کرده‌است .

در نامه‌مذکورادعا شده که بازرسان اداره‌کار ، طی‌جلسه‌ای با حضور اعضاء شورای کارگران کارخانه تختـه فشرده شمال، مدیر تولید و نماینده مدیرعامل دریافته‌اند که مشکلات‌کارگران در زمینه طبقه‌بندی و سودویژه از طریق اداره‌کار حل شده ، سرویس‌رفت و آمد برای نود درصد کارگران دایر و برای ده درصد بقیه ، حق ایاب و ذهاب پیش‌بینی شده‌است ، ضمنا اخراج چهارتن از کارگران کارخانه و پرداخت مبلغ ۲۵۰۰ تومان به آنان را براساس آراء صادره از مراجع حل اختـلاف اداره‌کار وبنابراین «موجه» شمرده ، ولی به عدم تامین شغلی‌کارگران‌که

نامه «مردم» موافق قانون مطبوعات دعاوی مذکور را دایر برنادرست بودن گزارش مندرجه ، درج می‌کند ، ولی این امر هنوزبمعنای‌تائیدمطالب فوق‌نیست. ما تحقیقات مستقل خود را بازهم درهمین زمینه درآینده دنبال و نتایج بدست آمده را اعلام خواهیم کرد. ولی بدوا بی‌مناسبت‌نمی‌دانیم باردیگر شمه‌ای از وضع‌کنونی این واحد تولیدی را از نظر همگان بگذرانیم:

کارخانه «تخته فشرده شمال» درسال ۱۳۵٦ ، تاسیس‌گردید. این کارخانه در کیلومتر ۱۱ جاده قائم شهرساری واقع است . تعداد کارگران و کارکنان آن حدود صدوبیست و پنج نفراست. مواد اولیه کارخانه ، چوب و چسب و آمونیاك و نشادر و محصول آن نئویان است .

چسب ، که از مواد اولیه مهم این کارخانه و ازمشتقات نفت است ، از کشورهای نروژ و آلمان فدرال وارد میشود .

تولید این کارخانه در جریان انقلاب در اثر اعتصابهای سراسری و کمبود سوخت و مواد اولیه کاهش یافت ، ولی بتدریج انقلاب بتدریج رو به‌افزایش نهاد.

حداقل حقوق کارگران از ۱۵۲ ریال به ۵٦۷ ریال افزایش یافت و تفاوت آن نیز از فروردین ماه ۵۷ به‌کارگران پرداخت شد . دستمزد ماهانه کارگران حداکثر سی هزار ریال است ، که این مبلغ‌تنهاشامل‌یك‌یادو کارگر متخصص می‌گردد ودستمزد بقیه کارگران ازاین مبلغ پائین‌تر است . پائین‌بودن سطح حقوق کارگران درکنار تورم روزافزون وگرانی سرسام‌آور زندگـی زحمتکشان را درتنگنا قرارداده‌است .

بعد از پیروزی انقلاب ، دراین کارخانه شورای کارگران تشکیل گردید ، ولی بعلت اختلافی که بین شورا وکارگران بوجود آمد ، شورا عملا قدرت اجرائی خود را ازدست داد.

کارگران‌می‌گویند: «زندگی خیلی سخت است . مگرمیشود با دوهزار و پانصد تومان حقوق دراین روزها ، که‌همه‌چیـزگران شده، ساخت؟ ماازدولت میخواهیم که چاره‌ای برای ازبین‌بردن گرانی بیاندیشد.»

اعلامیه مشترک هیئت نمایندگی دولت و جبهه آزادی ملی ساندینیست و حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی

بنا به دعوت کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی هیئت نمایندگی دولت رستاخیز ملی و جبهه‌آزادی ملی‌ساندینیست بریاست‌موئی‌سس‌حسن‌مورایس،عضوشورای رهبری دولت رستاخیزملی نیکاراگوئه از۱۷ تا ۲۲ مارس (۲۲ اسفند تا ۲ فروردین) از اتحاد شوروی دیدار رسمی بعمل‌آورد.

هیئت نمایندگی‌دولت رستاخیزملی وجبهه‌آزادی ملی نیکاراگوئه، طی این دیدار رسمی، با نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی مذاکراتی انجام دادند و در پایان این دیدارازجانب هیئت‌های نمایندگی اتحاد شوروی ونیکاراگوئه‌اعلامیه مشترك انتشار یافت. دراین اعلامیه‌آمده است:

«درجریان این مذاکرات، که در محیط تفاهم و صمیمانه برگزارگردید، مسائل‌مربوط به‌روابط‌دوکشور اتحادشوروی ونیکاراگوئه وهمچنین مسائل بین‌المللی مورد علاقه طرفین مورد بحث قرارگرفت.

جانب‌شوروی‌پیروزی نیروهای‌انقلابی‌میهن‌پرست نیکاراگوئه برهبری جبهه‌آزادی‌ملی ساندینیست را بر رژیم دیکتاتوری ساموزا بگرمی تهنیت گفت و خاطر نشان‌کردکه سرنگونی رژیم دیکتاتوری در ژوئیه سال ۱۹۷۹، درتاریخ این‌کشور مرحله نوینی‌گشوده‌وبرای تحقق تحولات عمیق‌سیاسی واجتماعی درکشور، بخاطر منافع توده‌های وسیع زحمتکشان، زمینه‌های لازم را بوجودآورده است.

اتحاد شوروی و نیکاراگوئه درموردگسترش‌روابط دوجانبه، بر پایه رعایت اکید اصول برابری حقوق، احترام متقابل،به‌حق‌حاکمیت ملی‌واستقلال وعدم‌مداخله درامورداخلی یکدیگر، ابرازآمادگی کردند ودرباره اقدامات عملی در زمینه برقراری روابط بازرگانی و اقتصادی، باتوجه‌به‌امکانات‌ونیازهای‌دوطرف‌به‌توافقهایی رسیدند.

درنتیجه‌این مذاکرات، یك‌قرارداد بازرگانی‌بین دوکشوربسته شدوصورت‌مجلسی درباره‌تاسیس‌نمایندگی بازرگانی اتحاد شوروی در نیکاراگوئه ونیز نمایندگی بازرگانی نیکاراگوئه دراتحاد شوروی به‌امضاء رسید. همچنین موافقت‌نامه‌هائی در باره تبادل‌کالا، همکاریهای اقتصادی وفنی‌وعلمی وفرهنگی، ارتباط‌هوائی‌وهمکاری دررشته‌برنامه‌ریزی‌درمیان دوکشور منعقدگردید.

هیئتهای نمایندگی دوکشور اتفاق نظرخودرا در موردمهمترین‌مسائل بین‌المللی باخشنودی‌تائیدکردند. طرفین نسبت به‌تشدید وخامت اوضاع بین‌المللی در دوران اخیر،که ناشی از اقدامات نیروهای تجاوزکار امپریالیستی‌وارتجاع جهانی‌است، ابرازنگرانی‌کردند وپیگیری مواضع خود را درامر مبارزه بخاطر حفظ‌و استواری مبانی صلح وکوشش درراه پیشرفت‌وگسترش روند تشنج‌زدائی تائیدکردند.

طرفین تاکیدکردندکه تشنج‌زدائی بامنافع‌حیاتی همه خلقهای جهان و ازآنجمله خلقهائیکه از بندهای اسارت استعماری وسته اجتماعی رهائی یافته وسرگرم ساختمان زندگی‌نوین مستقل‌هستند، مطابقت‌کامل‌دارد.

اتحاد شوروی و نیکاراگوئه معتقدند که مهمترین سمت مبارزه در راه صلح وامنیت بین‌المللی، ازمیان برداشتن هرگونه مظاهرسلطه‌جوئی درروابط‌بین‌المللی است.

اتحاد شوروی ونیکاراگوئه تلاش هردولتی‌رابرای تحمیل تسلط خود برددل دیگری‌به‌بهانه اعلام‌خودسرانه نواحی مختلف جهان به «حریم منافع حیاتی» خود از طرق تهدید مستقیم نظامی و فشار سیاسی و اقتصادی محکوم میدانند.

طرفین براین‌عقیده‌اندکه یکی ازمهمترین‌مسائلی که درپیرابرخلقهای جهان قراردارد، مسئله‌قطع‌مسابقه تسلیحاتی واقدامات عملی در راه خلع سلاح است.

طرفین‌براین‌عقیده‌اندکه درامریکای‌لاتین‌وهمچنین دیگر مناطق‌جهان، درروابط میان‌کشورها بایستی‌اصول برابری حقوق، احترام به‌حقوق حاکمیت ملی‌وتمامیت ارضی‌آنها، عدم‌مداخله درامورداخلی‌یکدیگروبا تهدید به‌مداخله حکمفرما باشد.

اتحاد شوروی و نیکاراگوئه سیاست امپریالیستی مداخله درامورداخلی‌خلقهای امریکای‌لاتین‌راباقاطعیت محکوم میکنند.

طرفین با حفظ تصرفات‌استعماری درنیمکره‌غربی کاملا مخالفند.

اتحاد شوروی ونیکاراگوئه رژیم فاشیستی شیلی‌را تقبیح می‌کنند وآنرا محکوم میدانند.»

در اعلامیه مشترك‌همچنین‌آمده است‌که:

«جنبش کشورهای غیر متعهد در مبارزه بخاطر آزادی واستقلال خلقها ومبارزه برضداستعمار و نژاد پرستی عامل مهمی است. نتایج موفقیت آمیز ششمین کنفرانس‌سران‌کشورهای غیرمتعهددرهاوانا،که‌نخستین کنفرانس‌کشورهای غیر متعهد در امریکای لاتین بود، موید این امر است. طرفین اظهار اطمینان میکنندکه جنبش غیر متعهدها در آینده نیز از وزنه سیاسی مهم بخاطر منافع صلح وامنیت خلقها استفاده خواهدکرد.

اتحاد شوروی ونیکاراگوئه آپارتاید وتبعیض نژادی ومانورهای نواستعماری محافل امپریالیستی و نژادپرستان آفریقای جنوبی‌را محکوم میکنند.

طرفین همبستگی رهبرانی‌خود را نسبت به مبارزه عادلانه خلقهای آفریقای جنوبی در راه‌آزادی واستقلال وبخاطرلغوکامل ونهائی‌استعمار ونژادپرستی درسراسرقاره آفریقا ابراز داشتند.

اتحاد شوروی ونیکاراگوئه پیروزی نیروهای میهن‌دوست در زیمبابوه را درمبارزه بخاطر آزادی و استقلال این‌کشور بگرمی تهنیت میگویند.»

دراعلامیه مشترك آمده‌است:

«اتحاد شوروی ونیکاراگوئه نگرانی‌عمیق‌خود را نسبت به روند مخاطره‌آمیز حوادث درخاورنزدیك ابراز داشتند.

طرفین سیاست تحمیل موافقتنامه‌های‌جداگانه به خلقهای عرب را محکوم‌کردند و بروی ضرورت کوشش برای حل‌وفصل همه جانبه وعادلانه اختلاف‌در این‌منطقه تأکید نمودند. این حل‌وفصل بایستی شامل خروج همه نیروهای اسرائیل ازتمامی‌اراضی اشغال شده‌کشورهای عربی‌درسال۱۹۶۷ وتحقق حقوق قانونی خلق عرب فلسطین، ازآنجمله حق‌تشکیل دولت‌مستقل ملی‌ونیز تأمین‌حقوق تمام‌کشورهای این‌منطقه درزمینه استقلال وتأمین موجودیت‌آنها باشد.

اتحاد شوروی و نیکاراگوئه کارزار تبلیغاتی محافل امپریالیستی‌وارتجاعی در رابطه با رویدادهای افغانستان را بمنظورتشدید وخامت اوضاع بین‌المللی که هدفش نقض حقوق مسلم خلق جمهوری دمکراتیك افغانستان ودیگرخلقهای جهان است‌که قصد دارنددر راه تحولات مترقی‌گام بردارند، جدا محکوم میکنند.

اتحاد شوروی و نیکاراگوئه همبستگی خود را نسبت به مبارزه مردم ایران در راه استقلال سیاسی و اقتصادی کشور خود ابراز داشتند. اتحاد شوروی و نیکاراگوئه تمام مظاهر فشار و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم‌میکنند.

اتحاد شوروی و نیکاراگوئه سیاست تشدید تشنجات در جنوب خاوری آسیا را محکوم‌کردند و خواستار قطع تهدید وشانتاژ واقدامات تحریك‌آمیز علیه جمهوری سوسیالیستی‌ویتنام، جمهوری دمکراتیك توده‌ای لائوس وجمهوری توده‌ای‌کامبوجیا هستند.

نمایندگان اتحاد شوروی ونیکاراگوئه مسائل مربوط به‌روابط دوستانه میان حزب‌کمونیست اتحاد شوروی وجبهه‌آزادی ملی ساندینیست را موردمذاکره قرار دادند.

طرفین تاکیدکردندکه برای‌گسترش وتعمیق این روابط و همکاری بیشتر میان اتحاد شوروی و نیکاراگوئه بخاطر منافع خلقهای دوکشور وصلح و ترقیات اجتماعی، درآینده نیز به‌کوششهای خودادامه خواهند داد.

طرفین برنامه‌ای درزمینه همکاری میان حزب کمونیست‌اتحاد شوروی وجبهه‌آزادی ملی ساندینیست برای سال های ۱۹۸۰ – ۱۹۸۱ تدوین و آنرا تصویب کردند.

نمایندگان اتحاد شوروی و نیکاراگوئه از نتایج دیدار هیئت نمایندگی نیکاراگوئه و مذاکرات انجام شده ابراز خشنودی کردند.»

www.iran-archive.com

درخواست رسیدگی سازمان ایالتی حزب تودهٔ ایران در خورستان به تخلفات انتخاباتی در این استان

هیئت محترم انجمن نظارت برانتخابات
مجلس شورای‌ملی، اهواز

حزب تودهٔ ایران ــ سازمان ایالتی خوزستان، بر پایه مشاهدات ناظران رسمی حزب تودهٔ ایران بر امر نخستین دور انتخابات مجلس شورای‌ملی موارد زیر را به اطلاع شما میرساند، باشد تا با رسیدگی‌کامل به موارد تخلف ازجانب هیئت نظارت‌بر انتخابات، ازضربه واردآمدن به اعتبار جمهوری اسلامی ایران جلوگیری شود:

۱ــ رأی دادن با چندین شناسنامه(بطورمثال درحوزه‌های روستای سیدخلف، روستای دغاغله، روستای کبیر۱، حوزه شماره ۲۸، حوزه شماره ۷، روستای ابیرش‌و...).

۲ــ رأی دادن بافتوکپی‌شناسنامه(بطورمثال درحوزه شماره ۲۸، روستای ابیرش‌ـ‌ده شماره ۳ و...).

۳ــ رأی دادن افراد پائین‌تر از ۱۶سال(بطور مثال‌حوزه شمارهٔ ۷).

۴ــ تبلیغ شفاهی برای نامزدهای معین ازطرف مسئولین حوزه وافراد ناشناس وتحمیل نامهای معین‌به بیسوادان(حوزه‌های روستای سیدخلف، روستای دغاغله، روستای کبیر۱، حوزه شماره ۱۸ آسیدآباد، حوزهٔ شماره ۵ گارمیش‌آباد وکوت‌عبداله، حوزه شماره ۳۳ خیابان داریوش، حوزه شماره ۷، حوزه روستای‌ابیرش حوزهٔ روستای به‌آر، حوزه شمارهٔ۳).

۵ــ چسباندن پوسترنمایندگان وتبلیغ انتخاباتی در محل رأی‌گیری(حوزه روستای دغاغله، شماره ۱۸ مسجد ابوالفضل دولت‌آباد،ده شماره ۳).

۶ــ تبلیغ علیه سازمانها و گروههای مشخص (حوزه‌های روستای‌کبیر، حوزه ۵گارمیش‌آباد وکوت‌عبداله،حوزه شماره۷).

۷ــ عدم رعایت مخفی بودن رای (حوزه شماره ۷، ده ابیرش).

۸ــ خط زدن نامزدهای معینی از لیست‌کاندیداها(بطور مثال حوزه انتخابی‌مدرسه عصمت).

حزب تودهٔ ایران‌ــ‌سازمان ایالتی‌خوزستان ضمن اعتراض به موارد تخلف فوق، خواستار رسیدگی دقیق و جدی مقامات مسئول است و آمادگی خود را برای ارائه دلایل مشخص اعلام می‌دارد.

حزب تودهٔ ایران‌ــ‌سازمان ایالتی‌خوزستان
۱۴ فروردین ۵۹

نام نویسی درحزب تودهٔ ایران

کارگران وزحمتکشان هوادار حزب تودهٔ ایران که مایلند درحزب ثبت‌نام‌کنند، ولی درایام هفته فرصت‌اینکار را ندارند، می‌توانندروزهای جمعه ازساعت ۹تا۱۱صبح و از ۲تا۵ بعدازظهر به‌دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر،ضلع‌غربی‌دانشگاه‌تهران، مراجعه‌کنند، در شهرستانها‌نیز دفاتر حزب‌تودهٔ ایران برای نام نویسی آماده است.

متقاضیان هنگام ثبت‌نام حتماً شناسنامهٔ خود را همراه داشته باشند.

اخبار دهقانی

ضرورت ترمیم وساختمان راه ارتباطی روستاهای بخش ثمرین

دهقانان بخش ثمرین اردبیل (که بیش‌از ۵۰هزارنفرسکنه روستائی دارد) بامشکل بزرگی روبرو هستند.

دهقانان ازفقدان جاده ارتباطی باشهرهای نزدیك بواقع رنج میبرند. این روستاییان خواستار ترمیم واحداث جاده قدیمی مشکین شهروجاق وراههای فرعی به‌قراءگندبشمین، شیخ‌احمد، روئید زاق، نیکجه، شندرشامی‌ــ‌کولانکوه، مجندی، تنباکودرق، ثمرین حیدر وروستاهای اطراف هستند.

مجموعاً طول این راههای ارتباطی برای‌کلیه این روستاها به۵۰کیلومترهم نمیرسد. ولی‌متأسفانه این‌نیازحیاتی‌هنوزبرطرف نشده است.

در دوران طاغوت، فرمانداران واعضاء انجمن شهرستان چندین باربودجه ترمیم این راهها را بجیب زده‌اند و تاکنون تنها زیرسازی ۲۵کیلومتر این راهها مهیاگردیده است.

حل‌بسیاری‌ازمشکلات‌تولیدی‌ورفاهی‌روستاییان‌درگروی‌ایجاد جاده است.هربار در اثر بارندگی، ارتباط این روستاییان هفته‌ها باشهرقطع میگردد. تاکنون بیماران بی‌شماری جان خودرا بعلت فقدان راههای ارتباطی ازدست داده‌اند.

این روستاییان ازخود میپرسند، تاکی باید درانتظارترمیم وساختمان راههای ارتباطی بمانیم! تاکی باید بیماران خودرافقط بعلت فقدان پزشك ووسایل درمانی درمحل ونبودن جاده از دست بدهیم؟

ساختمان جاده ارتباطی برای روستاهای توابع آذرشهر ضروری است

اخیرا طومار پارچه‌ای به‌بلندی چندین متر با ۱۶۰۰ امضاء از اهالی روستاهای توابع آذرشهر به دفتر ریاست جمهوری و مقامات مسئول دیگر نظیر دفتر امام، دفتر آقای رضا اصفهانی و نیز جهاد سازندگی آذرشهر ارسال گردیده است. عکسی از طومار نیز به‌دفتر نامه «مردم» ارسال شده‌است.

دراین طومار روستاییان با تشریح مسائل خود از مقامات مسئول خواستار کمك ورسیدگی به وضع نابسامان خودشده‌اند. روستاییان در متن طومار خود نگاشته‌اند:

«محترما بعرض میرسانیم که مادهقانان زحمتکش قریه‌های داش‌آلمالو، جارورود، پایچی، هرگلان، گواهرو،ج‌الدین، از توابع آذرشهر استان‌آذربایجان شرقی، که در انقلاب نقش اساسی داشتیم، راه ماشین‌رو برای رسیدن به شهر نداریم و با رجوع به‌مقامات مسئول توانسته‌ایم راه راتا ۶ کیلومتری‌برسانیم. اما تا بعد از آن هیچ اقدامی جدی نشده است. از شما تقاضا میکنیم هرچه زودتر به‌این خواست برحق و دیگر نیازمندیهای اولیه ما (بهداشت، برق، حمام و آب) رسیدگی بنمایید.»

نامه مردم ــ ساختمان جاده‌های ارتباطی این روستاها ومراکز بزرگتر یعنی شهرها، صرفنظر از اینکه یك اقدام رفاهی برای روستاییان است، کمك فراوانی به اقتصاد روستایی می‌کند و باعث تسریع در امرعرضه کالاهای کشاورزی دربازارهای مصرف میشود. اگر کار ساختمان جاده روستاها در سراسر کشورآغاز شود، گامی مهم درجهت رفاه روستاییان و همچنین در عرضه‌بموقع کالاها در بازارو شکوفایی اقتصاد کشاورزی برداشته‌خواهدشد.

همانگونه که خودروستائیان در خصوص‌ساختمان جاده دراین روستاهای مشخص آذربایجان پیشنهاد کرده‌اند، بنظر میرسد که راه ارتباطی از طریق عجب‌شیر (قالاچایی) مقرون‌به‌صرفه‌است، زیرا این جاده هم با سرعت بیشتر و هم باخرج کمتر ارتباط روستاهای فوق را باشهر برقرار میسازد.

زمینداران بزرگ، خود «ابتکار» تقسیم اراضی را بعهده گرفته‌اند! اما چگونه؟

بعد ازتصویب طرح انقلابی استاد رضا اصفهانی مربوط به‌واگذاری زمین به دهقانان تهی دست،گروهی ازمالکین وزمین‌داران بزرگ استان فارس «راه حل مناسبی» برای فرار ازقانون واگذاری اراضی یافته‌اند.

این‌گروه ازبزرگ مالکان خود اقدام به «تقسیم اراضی» بمعنای جعل در اسناد وتملك وبا انتقال اراضی خود بین **اقوام و آشنایان‌کرده‌اند.**

این اقدامات در خدمت تحکیم وتثبیت مواضع ومنافع طبقاتی زمینداران است واز سوی دیگر توطئه ایست‌که میتواند مستقیما به عکس‌العمل های شدیدی در بین روستائیان تهیدست منجر شود ودرگیریهائی بوجودآوردکه درنهایت به‌اغتشاش وجوی متشنج در روستا ها بیانجامد. ازاینروست‌که روستائیان باید در نهایت هوشیاری با اینگونه توطئه ها روبرو شوند ودر صورت مشاهده یك چنین اقداماتی، مراتب‌را به مقامات مسئول وارگانها ونهادهای انقلابی نظیر سپاه پاسداران و جهاد سازندگی اطلاع دهند وبا جلب همکاری‌آنها، اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب را طلب‌کنند.

کمیته واگذاری‌واحیای اراضی استان فارس طی‌اطلاعیه‌ای خود وجود چنین‌توطئه‌هائی‌رااعلام‌کرده ودهقانان را به هوشیاری وهمکاری با ارگانهای اجرائی دعوت‌کرده است.

این رویداد بروشنی نشان میدهدکه تا چه‌اندازه اجرای قانون مصوبه فوریت دارد. باید باسرعت عمل‌کرد تاجلوی‌اینگونه تدابیر بزرگ مالکانه را گرفت.

اززمان رژیم شاه مخلوع بسیاری ازمالکان، باکمك دستگاه دولتی، اراضی را منتقل‌کرده وباسم افراد خانواده وخویشان به‌ثبت دادند.

بعد از انقلاب، دستگاه دولتی بساید برعکس جلوی این شگرد غارتگرانه را بگیرد.

خود دهقانان باتشکیل کمیته‌های‌دهقانان‌بی‌زمین وکم‌زمین میتوانند درشناسائی این‌شگردها وافشای‌آنان به‌اجرای همه جانبه وقاطع قانون‌کمك‌کنند.

۶ روستائی در اثر هجوم سیل در روستاهای توابع بروجرد کشته شدند

بار دیگر در اثر جاری شدن سیل، خسارات جانی‌و مالی به‌روستاهای کشورمان وارد آمد.

سیل اخیر در شهرهای درود و ازنا چندین روستا رادراین مناطق محاصره کرد. در اثر هجوم سیل در روستای درتیران‌بالا، از توابع درود، ۴ نفر روستائی جان خود را ازدست دادندوهمچنین در روستاهای الیگودرز و ازنا دوستایی دیگر کشته شدند. بعلاوه گزارش میرسد که در اثر جاری‌شدن‌سیل، راههای‌ارتباطی روستاهای سنگر و یوسف‌آباد از توابع‌درود قطع‌شده و روستائیان در خطر گرسنگی قرار گرفته‌اند. کمبود علوفه برای دامها در روستاهای سیلزده، مشکل دیگر روستائیان این مناطق است.

هرگاه که روستاهای ما مورد هجوم سیل قرار میگیرد، بسیاری از دهقانان بی‌خانمان و خانه‌خراب میشوند. باید باتجدید ساختمان خانه‌ها و روستاها و انجام طرح دقیق برای ایجادتاسیسات لازم برای محافظت مناطق مسکونی در برابر یورش سیل، جان و مال مردم رادربرابر سیل حفاظت کرد. ضرورت نوسازی روستاها با حوادث طبیعی اخیر، احیای کشاورزی از دست رفته، صرف با تدابیر قطعی در مسئله مالکیت و اطمینان بخشیدن به‌دهقانان زحمتکش، بیش از پیش مشهود میگردد.

برای شهیدان حزب و جنبش

«نامه‌مردم»، درنظر دارد عکسهای تمام‌مبارزانی‌راکه‌دردوران‌سلطنت ننگین ومنفورخاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی‌ومیهنی‌وانسانی خود بشهادت‌رسیده‌اندچاپ آورد.

کند. ازهمه‌میهن‌دوستان‌وآزادی‌خواهان تقاضامیشودکه هرعکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «نامه‌مردم» مراجعه کنند.

باسپاس ــ «نامه‌مردم»

امپریالیسم امریکا کماکان به تحریکات در اقیانوس هند و خلیج فارس ادامه میدهد

دولت امریکا تصمیم‌گرفته است که پایگاه دیگوگارسیا در اقیانوس هند را باز هم گسترش دهد.

روزنامه نیویورك تایمزخبر میدهدکه دولت‌امریکا تقاضاکرده است‌که بودجه‌گسترش پایگاه به‌دوبرابر میزان پیش بینی شده افزایش یابد.

همچنین قراراست پروازهای هواپیماهای جاسوسی‌برفراز اقیانوس هند بازهم بیشتر شود.

امریکا همچنین از پاکستان استرالیا برای عملیات‌دراقیانوس هنداستفاده خواهدکرد.

عرفات:

چرا آمریکائیها درحالیکه مخالف روحانیت ایرانندنگران اسلام در افغانستان هستند!؟

ازعرفات سئوال شدکه آیا نسبت به وضع مسلمانان در افغانستان‌احساس‌نگرانی‌میکند؟ وی‌گفت تعجب من در این است که چرا آمریکائیان درحالی‌که مخالف روحانیت در ایران‌اند باید تااین‌اندازه نسبت به اسلام درافغانستان نگران باشند.

(آزادگان، ۱۱ فروردین)

اوضاع السالوادور وخیم‌تر می‌شود

رویدادهای جهان

اوضاع در السالوادور، براثر سیاست ترور وکشتار دار و دسته مزدور حاکم بر این کشور ونیروهای ارتجاعی دست راستی که ازحمایت امپریالیسم آمریکا برخوردارند، روزبروز وخیم‌تر می‌شود.

نیروهای چپ السالوادور، که رهبری مبارزه خلق‌را علیه امپریالیسم آمریکا ودارودسته نظامی‌حاکم برعهده دارند، اعلام‌کردند که در پنج ماه ونیم‌گذشته، یعنی در مدت زمامداری مزدوران حاکم، بیش از هزار نفر در کشور کشته شده‌اند. از جمله در یک هفته گذشته، بیش از دویست تن بر اثر عملیات نیروهای دولتی و گروههای مزدور دست راستی به قتل رسیده‌اند.

بعنوان مثال در جریان تشییع جنازه اسقف اسکار آرنولفو رومرو ـ اسقف مبارز سان‌سالوادور، که قویاً مداخله‌امپریالیسم‌آمریکا را درامورداخلی‌کشور موردحمله قرارمیداد ـ شصت تن براثرحمله مردان مسلح دست راستی بقتل رسیدند.

دارودسته حاکم برالسالوادور برای مقابله با قیام مردم حالت فوق‌العاده را یک ماه دیگر تمدیدکرد. اکنون نیروهای دولتی‌درنقاط حساس شهر سان‌سالوادور مستقر شده‌اند.

دراین‌میان نیروهای چپ ازهمه حکومتهای دمکراتیک درخواست کرده‌اندکه روابط را با السالوادور قطع وارسال‌کالا را به این‌کشور تحریم‌کنند.

ازسوی دیگرامپریالیسم‌آمریکا اعلام‌کرده‌است‌که سلاح‌های شدشورش وتجهیزات نظامی برای سرسپردگان خود درالسالوادور ارسال میدارد.

امپریالیسم‌آمریکا تلاش داردکه بقیمت قتل‌عام مبارزات السالوادور منافع غارتگرانه خود را دراین‌کشورحفظ‌کند.

وزیر خارجه آمریکا پاسخ نمیدهد!

سایروس‌ونس، وزیر خارجه آمریکا، در مصاحبه با تلویزیون فرانسه ازجمله درپاسخ‌این سئوال‌که، آیا آمریکا به «شورشیان» افغانستان اسلحه میدهد، گفت، «به این سئوال پاسخ نمی‌دهم»!

پاسخ آقای‌ونس‌را میتوانیدهرطوربخواهید تفسیر کنید.

آمریکا ۵۰ جنگنده جدید در اختیار مغرب قرار می‌دهد

دربی دیدار معاون نخست‌وزیر چین از مغرب وحمایت از رژیم این‌کشور در مقابل پولیساریو و دولتهای ترقیخواه عرب، رئیس ستاد نیروی هوائی‌آمریکا نیز وارد این کشور شد و با رهبران مغرب مذاکراتی درباره کمکهای نظامی‌آمریکا به این‌کشور انجام داد. این ژنرال‌آمریکائی ازتأسیسات نظامی مغرب نیزدیدن‌کرد واعلام‌کرد آمریکا پنجاه جنگنده جدید دراختیارمغرب قرارمیدهد.

رهبرلیبی ازنقش اتحاد شوروی در افغانستان دفاع کرد

معمرالقذافی، رهبرلیبی، گفت‌که باید از سلاح نفت‌درمبارزه خلقهای عرب‌علیه‌امپریالیسم وصهیونیسم استفاده شود و لیبی از این سلاح استفاده خواهدکرد. قذافی ازنقش‌اتحادشوروی در افغانستان دفاع‌کرد و گفت که امپریالیستها هیاهوی دروغ براه انداخته‌اند که شوروی باصطلاح برای کشتار مسلمانان به افغانستان رفته است. افغانستان در معرض تجاوز خارجی بوده است.

تجاوز چین به ویتنام ادامه دارد

جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کردکه چین همچنان به تجاوز وتحریک علیه ویتنام ادامه میدهد.

نیروهای چینی‌از۲۱ تا ۲۶ مارس چندبار به خاک ویتنام حمله‌کردند.

در این حملات هشت ویتنامی‌کشته و عده دیگری مجروح شدند. یک ویتنامی نیزبوسیله نیروهای چینی ربوده شد.

دراین مدت‌کشتی های چینی بارها به آبهای‌ویتنام‌تجاوزکرده وچندکشتی ماهیگیری ویتنامی‌را توقیف‌کرده‌اند.

دولت ویتنام چین را ازپیامدهای خطرناک این تحریکات برحذرداشته است.

نیازی به‌توضیح نیست که تحریکات چین علیه ویتنام ازپشتیبانی امریکا برخورداراست. ریچارد هولبروک، معاون وزارت خارجه‌امریکا، بطورغیرمستقیم‌گفت‌که امریکا با فروش‌اسلحه به چین، مناطق استراتژیک خود راگسترش میدهد وبطور غیرمستقیم‌گفت‌که هدف، «اتحاد شوروی و ویتنام است».

تشکیل کنفرانس صلح و خلع سلاح در پاریس

حزب‌کمونیست فرانسه و حزب‌کارگر متحد لهستان دربی مشورت با یکدیگر، ازاحزاب کمونیست و کارگری اروپا خواستندکه در کنفرانس صلح وخلع سلاح درپاریس شرکت کنند.

این‌کنفرانس قراراست روزهای ۲۸ و۲۹ آوریل تشکیل شود.

شرح چگونگی حمله به دفتر حزب تودهٔ ایران در اصفهان

روز پنجشنبه گذشته، خبری مبنی بر حمله به دفتر حزب تودهٔ ایران دراصفهان، درنامه«مردم» به چاپ رسید. دراین‌جا شرحی از«چگونگی این حمله»به‌اطلاع‌خوانندگان می‌رسد.

نتیجه «منطق!»ی‌که درمقابله با حزب تودهٔ ایران بکار میرود

روز یکشنبه ۵۹/۱/۱۰، حدود ۵۰ ـ ۶۰ نفر، درحالیکه شعارهای«مرگ‌برسه مفسدین،توده‌ای وفدائی‌ومجاهدین» را می‌دادند، درخیابان چهارباغ‌میدان‌انقلاب اصفهان به راه افتادند.

این گروه ابتدا به مقابل رادیو، تلویزیون‌رفتند وخواستار فیلمبرداری از تظاهراتشان و تعطیل‌شدن سه سازمان سیاسی، حزب تودهٔ ایران، سازمان چریکهای فدائی‌خلق و سازمان مجاهدین خلق شدند.

درساعت ۶/۵ بعد ازظهر روز دوشنبه ۵۹/۱/۱۱ گزارش رسیدکه، همان افراد در محل روز گذشته جمع شده‌اند. این گروه ابتدا بطرف دانشگاه حرکت‌کردند، ولی پس ازمدتی برگشتند و مسیرخود را به سمت دفترحزب تغییر دادند.

به دفتر حزب دراصفهان تلفن شد،که‌گروهی به‌طرف‌آنجا درحال حرکت هستند. رفقای حزبی ازنیروهای انتظامی‌برای مقابله با خطر احتمالی کمک خواستند. اما تاآمدن مأموران، مهاجمین با شکستن در خانهٔ حزب، وارد آن شده وشروع به تخریب‌کرده بودند.

گروهی از مهاجمین پس‌از مدتی ازخانهٔ حزب خارج شدند وگروهی دیگرداخل ماندند و به‌تخریب کلیهٔ اشیاء داخل منزل ادامه دادندوشعارهائی نیزبرروی دیوارنوشتند.این‌گروه سپس‌اشیاء داخل منزل را به حیاط ریختند وقسمتی‌ازآنرانیزبه‌آتش کشیدند.

سرانجام، حدود ساعت۹شب معاون استاندار به‌محل‌خانهٔ‌حزب آمد وبامعرفی‌خودخواستارداخل شدن‌گروهی ازرفقا به‌آن شد.

پس‌ازآن،چهارنفرازمسئولین حزبی به‌همراه معاون استاندار به کلانتری رفتند وشکایتی مبنی براینکه تعدادی‌ازمهاجمین‌هنوز در دفترند تنظیم‌کردندوخواستار دستگیری‌آنها شدند.

۱۷ نفر ازمهاجمین دستگیر و به‌کلانتری تحویل داده شدند، درجریان بازجوئی ازمتهمین،که تاساعت ۲بامداد بطول انجامید، تعدادی ازآنها گفتندکه «عضو حزب‌الله» هستندوتعداد دیگرنیز خودرا تماشاچی معرفی‌کردند.

ساعت ۸صبح‌روزبعد،مسئول روابط عمومی حزب و۱۷مهاجم به‌سپاه‌پاسداران‌ودادستانی‌انقلاب فرستاده شدند. دادستان انقلاب اسلامی اصفهان، از مسؤل روابط عمومی حزب سؤالاتی در مورد چگونگی واقعه‌کرد.پس‌ازشنیدن سخنان رفیق مسئول‌حزب،پرونده به‌بازپرسی شماره ۲ ارجاع داده شد وماموری برای تعیین میزان خسارت‌وارده‌به‌دفتراعزام‌گردید.

دراین حمله، اکثرنشریات، روزنامه‌ها و پوسترهای تبلیغاتی حزب‌ازبین‌رفت‌وبسیاری‌ازوسائل ضروردیگر ازقبیل وسایل‌عکاسی، آرشیوروزنامه، دیوارهای منزل درو‌پنجره‌ها، شیشه‌ها ویخچال‌نیز خسارت دیدند. دراین‌حمله حتی گلدانها نیزازبین رفتند.

خسارات وارده ازاین حمله قریب ۴۰۰ هزارریال برآورده شده است. دفترحزب تابازسازی کامل غیرقابل استفاده است.

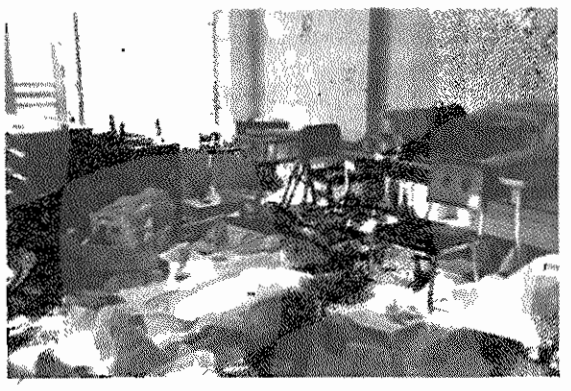

کمک بموقع اتحاد شوروی به افغانستان، نقشه‌های امپریالیسم وارتجاع را خنثی کرد

سلطان‌علی‌کشتمند، معاون نخست‌وزیرافغانستان،که ازچکسلواکی دیدن‌کرده بود، در مصاحبه‌ای گفت‌که افغانستان درحال حاضر فشارهای امپریالیسم، چین و مداخلات نیروهای خارجی را دفع میکند.

وی اضافه‌کردکه امپریالیسم، چین و ارتجاع با استخدام مزدور میخواستند درانقلاب افغانستان خرابکاری‌کنند و کمک بموقع اتحاد شوروی نقشه های امپریالیسم وارتجاع را خنثی کرد. کشتمندگفت‌که مردم افغانستان ازکمکهای اتحاد شوروی قدردانی میکنند.

از سوی دیگر ژنرال عبدالقادر، عضو شورای عالی فرماندهی انقلاب افغانستان‌گفت‌که افغانستان عرفات‌را یک رهبر بزرگ ومترقی درجهان اسلام می‌شناسد.

عبدالقادر اضافه‌کردکه قسمت بزرگی ازنیروهای ضدانقلاب نابود شده‌اند.

همچنان خبرگزاریهای امپریالیستی

صدای جمهوری اسلامی ایران دربخشهای مختلف خبری خود همچنان ازمنابع خبرگزاریهای امپریالیستی ومحافل مرتجع تغذیه‌میکند.رادیودرروزیکشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۵۹، دربرنامه‌های خبری‌خود، که‌درساعت۱۴و۲۱ پخش شد،ازمجموع ۲۶ خبرنقل‌شده ازمنابع مختلف، ۲۱خبر بااستفاده ازمنابع امپریالیستی ومحافل مرتجع نقل‌کرده است. جالب اینجاست‌که دربرنامه‌های خبری‌این روز، هیچ خبری ازخبرگزاری رسمی ایران«پارس» نقل‌نشده‌است.

نام خبرگزاری	ساعت ۱،۴	ساعت ۲۱
نماینده رادیوتلویزیون	۳	—
فرانسه	۹	۱
رویتر	۲	—
یونایتدپرس	۲	۲
تاس	۱	—
آسوشیتدپرس	—	۱
هفته نامه‌آبزرور	—	۱
منابع آمریکایی	—	۲
جبهه‌آزادیبخش انقلاب اسلامی افغانستان	—	۱
ژنرال شازلی	—	۱

خوانندگان گرامی میتوانند درخارج‌ازکشور به آدرس‌های زیر با «نامه‌مردم» مکاتبه‌کنند

بلژیک
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles

انگلستان
P O. BoX141
London. E 70 PE

فرانسه
Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France

سوئد
Box 27730
27230 Stockholm

ایتالیا
Pci,Shams
Via G. Vincon, 46
Ostia (Roma)
Tel.6614922 (TUDEH)

درباره سخنرانی آقای بنی‌صدر...

بقیه ازصفحه ۱

مسئله‌نان، درجهت لغو پروانه ها و دادن سهمیه‌گندم کافی به همه متقاضیان اتخاذ شده بود، با این هدف‌که‌تا اتخاذتدابیر ریشه‌ای‌تر ورسیدن‌کشور به خودکفائی‌تولید گندم، مسئله نان دراین‌چارچوب حل شود.

در زمینه تامین‌گوشت، که‌در حال حاضر ناگزیر باید ازطرف دولت ازخارج خریده شود، و رساندن قیمت‌گوشت در همه جا بحدی‌که قابل‌خرید برای‌مصرف‌کننده باشد، بازهم نکات مهمی عنوان شد،که در این مورد نیز، تا اتخاذ تدابیردرازمدت‌وعمیقی که تولید داخلی‌را بحد مصرف برساند، میتواندموجب‌امیدواری مردم‌گردد.

همچنین‌آقای رئیس جمهور وعده دادکه مفاد قانون اساسی‌را درمورد بازرگانی‌خارجی تاآخر سال جاری اجرا کند. اهمیت‌این مطلب‌برای‌کنترل قیمتها ومبارزه باگرانی‌وگرانفروشی وقطع دست واسطه های بین‌المللی وسرمایه‌داران دلال‌وابسته‌کاملا روشن‌است و ما هم بارها و بارها ضرورت اجرای فوری قانون اساسی‌را در این زمینه تاکیدکرده‌ایم و نقش آنرا نشان داده‌ایم. لذا بدیهی بودکه مردم،وعده‌اجرای‌کامل‌آن، یعنی تمرکز انحصار واردات و صادرات دردست دولت را لااقل تاقاصله یک سال با خرسندی بشنوند.امیدآنکه،ازهم‌اکنون و هرماهه شاهد تدابیری باشیم، که بطور مشخص دراین جهت پیش‌رویم. همه‌اینهادرست‌واکنون می ماند اجرای آنها.

امید آنکه دراین مرحله‌نیز تدابیر متخذه بطورهمه جانبه، قاطع و بدون تردید عمل شود و **ما هم بنوبه خودومطابق روش اصولی خویش، پشتیبان هر اقدام واقعی که بسود انقلاب و مردم زحمتکش باشد، هستیم.**

اما مردم ایران انتظار داشتندکه درشرایط بسیارحساس کنونی، یعنی‌هنگامیکه دسایس و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا به اوج تازه‌ای رسیده‌است‌ومشکلات عدیده‌ای توسط ضدانقلاب ایجاد میشود ومسائل فراوان اقتصادی واجتماعی‌حل نشده باقی مانده و حتی‌راه حل‌آن نیز معلوم نشده است، آقای بنی‌صدر رئیس جمهوری،ازمراسم یکمین‌سالروز جمهوری اسلامی ایران استفاده کند ودراین زمینه‌ها سخنی‌بجاو شایسته بگوید.

ولی‌متأسفانه آنها دراین زمینه مطالبی که پاسخگوی انتظارشان وشایسته روزجمهوری اسلامی‌ایران باشد، نشنیدند. آقای رئیس جمهوری بویژه در مورد حیاتی‌ترین و عمده‌ترین مسئله‌کنونی، یعنی‌تضاد ما با امپریالیسم‌آمریکا ومرحله جدید وخطرناک اقدامات آمریکا علیه انقلاب ما کمترین گره‌گشایی نکرد. گره‌گشائی‌که سهل است، حتی‌ازنشان دادن دشمن اصلی‌ما وماهیت‌نیرنگها و توطئه‌های تازه به تازه آن و از تعیین راه مقابله باآن سرباز زد.

حضار هنگامیکه از زبان حجت‌الاسلام سیداحمدخمینی‌پیام رهبرانقلاب‌وبنیان‌گذارجمهوری ایران ـ **امام‌خمینی** را شنیدند، امیدوار شدندکه در پس ابرهای تیره‌ایکه اخیراً داشت انباشته میشد، افق روشنی دارد نمایان میشود وراه درست بر انحرافات وکجرویها دارد غلبه می‌پذیرد، زیرا **امام** به صراحت **اولا** بس ضرورت دست برداشتن از **«اختلافات ونفاق وکارشکنی»** واتحاد واتفاق همه مردم **«درهر مسلکی‌باهرگروهی که‌هستند»** تکیه کردند. **ثانیاً «دسیسه و توطئه‌وتحریک شیطان‌بزرگ»** را افشا نمودند و بدرستی ودقت باردیگر تأکیدکردندکه**«دشمن اصلی‌ما آمریکا»** ست واگر این **«دشمن سلطه خود را برقرار کند، برای هیچ یک چیزی باقی نخواهد ماند». ثالثاً** در مسئله کردستان به احساس **«برادرانه»** و**«صلح‌وصفا»** اشاره داشتند.

اما هنگامیکه آقای رئیس جمهوری به سخنرانی پرداخت، مطالبی‌که مردم شنیدند،متأسفانه درهمان راستای پیام **امام** نبود. حضار نمیتوانستند بوی سازش و تفاهم را در مسئله گروگانها استشمام‌کنند وعکس‌العمل نشان ندهند، کمااینکه نشان دادند. نمیتوانستند تضادبین‌این‌برداشت را با محتوی روشن و دقیق پیام **امام**، که روش آمریکا را نیرنگ و توطئه میدانست، نبینند و نگویند. کما اینکه دیدند و گفتند،مردم‌ایران‌می‌بینندکه‌مثلث توطئه‌کامل شده است.

شاه وزاهدی درقاهره، بختیار دربغداد واویسی در راه ایران، زیرسایه‌آمریکا عمل میکنندوزیر علم آمریکا سینه میزنند ودر بازیهای رنگارنگ او، اعم از فریبکارانه یاتهدیدگرانه، نقش ایفا میکنند.

در چنین زمانی مردم قاطعیت انقلابی ضدامپریالیستی‌وموضع‌گیری بی‌تردید انتظارداشتند، نه کوشش برای توجیه مذاکرات و تبادل نظرهای انجام شده. مردم میگفتند، مگر قرار نیست که مجلس شورا در باره گروگانها تصمیم بگیرد؟ مگر **امام** دوبار صراحتا دراین باره نظرنداده است؟ مگرهمه مردم یکصدا با انتقال‌گروگانها،که در شرایط کنونی بمعنای تهیه زمینهٔ رهائی آنها ـ بدون‌استردادشاه مخلوع واموال‌اووضمنا خدمت به‌کارزار انتخاباتی کارتر است ـ مخالفت نکرده‌اند؟ پس اینهمه مذاکره و رفت وآمد وپیغام وپیشام و تلفن وتلکس وغیره برای چیست وچه هدفی را تعقیب میکند؟

چطورمیشودکه دشمن اصلی‌ما آمریکا اینهمه از محتوی اساسی پیام **امام**، یعنی وحدت همهٔ مسلکها وگروهها درنبرد علیه امپریالیسم آمریکا واهمه دارد و بخشم میآید ومیکوشد تا سخن **رهبر انقلاب را** نادیده انگارد وبنحوی موهن آنرا بدون پاسخ بگذارد.امادرعوض‌ازسخن رئیس‌جمهورکه **مقام مسئول‌اجرائی** است، حسن استقبال میکند و نمی‌تواندرضایت‌خودراازمحتوای آن پنهان دارد، زیرا ترشحات حسن‌نیت نسبت به آمریکا وسعی در مخدوش کردن دشمن اصلی انقلاب‌مارادرآن‌به‌عیان‌می‌بینند.

چطور میشود درحالیکه‌مسئله حیاتی جامعه ما مسئله اتحاد نیروها با هرمسلک واز هرگروه است،دراین جهت سخنی‌که رامه‌گشا وآینده نگر باشد، ازجانب رئیس جمهورگفته نمیشود؛ چطور میشود درحالیکه مسئله کردستان باید با «صلح و صفا، برادرانه» حل وفصل‌شود، تکیه برتهدید و توپ‌گذاشته میشود، گوئی‌که با خصم بیگانه‌ای روبرو هستیم و یا بکشورکشائی میرویم، نه با برادری ازهمین سرزمین‌وازیک کشورواحد،که باید باصلح وصفا برشالوده رفع ستم ملی وشناختن حقوق حقه‌وبامذاکرات مسالمت‌آمیزمسائل موجودرا ـ همانطور که پیام آبانماه **امام** نیز سمت اساسی‌آنرا روشن نموده ـ حل کرد. مردم‌جمع شده‌بودند تا در این مسائل‌اساسی پاسخی‌بشنوند. ولی آنها انتظارات خود را برآورده نمی‌بینند.

این مسائل درمقابله ما با امپریالیسم امریکا وعمال‌رنگا ـ رنگ ضدانقلاب داخلی خلاصه میشودکه بسرعت مشغولند تا از محیط گل‌آلود تفرقه وتحریک، سمپاشی وسردرگمی ماهی‌مرادرا بگیرند ونه فقط‌گروگانها، بلکه منافع غارتگرانه و نواستعماری خود را نجات دهند، نه تنها برگروهها واحزاب مختلف‌مترقی و انقلابی بلکه‌براصل‌موجودیت وتداوم‌انقلاب‌ما ضربه زنند

ما از اینکه باز هم هشدار بدهیم وتوجه مسئولان‌را، که‌بعلت مقام ومنصبشان مسئولیتی بزرگ وسنگین بردوش دارند، جلب کنیم، خسته نخواهیم شد و از حملات بی‌پایه لفظی و یورشهای آتش افروزانه وتخریبی، از کنایه های زهرآگین وتحریکات عوامفریبانه نیز میدان را خالی نخواهیم‌کرد، زیرا میدانیم باید مسائل عمده را تمیزدهیم، مشی ضد امپریالیستی‌وخلقی‌را به‌پیش بریم وهمه نیروی خود را برای پیشبرد انقلاب بسیج کنیم

برقرارباداتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک‌ایران در جبهه متحد خلق

به‌دنبال ضرب و شتم عده‌ای از اعضاء و هواداران حزب‌توده‌ایران درارالك، سازمان حزب در اراك ضمن نامه‌ای به دادستان دادسرای انقلاب اسلامی اراك، خواستار مجازات عاملین این حادثه شد.

درنامه سازمان حزب‌توده‌ایران ـ اراك آمده است:

«علی‌رغم هشدارها واخطارهای مکررحزب توده‌ایران، به‌گواهی صفحات ارگان مرکزی‌آن،نامه «مردم»، درمورد رخنه ونفوذ عناصرمشکوك وناپاك درسازمان‌ها وارگان‌های انقلاب، باردیگر ناگزیر به اطلاع می‌رساند:

با اینکه‌همیشه به‌ثبوت‌رسیده‌است که‌برخورداف‌راد حزب‌وهواداران‌به‌این‌گونه‌سازمان‌هاومراجع کاملامسئولانه ومنطقی بوده، زیرا افرادووابستگان این‌چنین‌ارگانها اغلب عناصرزحمتکش ومومن وصدیق به‌انقلاب هستند ولی متاسفانه دیده میشود که افراد و وابستگان به سازمانهای انقلابی بعضاً به‌حدکافی و لزوم به‌مسئولیت و وظیفه سازمانی خود واقف نیستند وگاهی، دانسته یا ندانسته، خطاهایی مرتکب می‌شوند که به‌حیثیت‌انقلاب بزرگ ملت ایران شدیداً لطمه می‌زند. به‌عنوان‌نمونه شرح زیر را اطلاع می‌دهد وتقاضا دارد پس‌ازرسیدگی وتحقیق‌کامل خاطیان را طبق قانون ومقررات مملکتی به‌کیفر برسانید.

شب‌شنبه ۱۳۵۸/۱۲/۱۶ عده‌ای از رفقای حزبی‌ما به‌منظور فعالیت انتخاباتی مجلس شورای‌ملی جمهوری اسلامی‌ایران برای‌کاندیدای حزب‌توده‌ایران در اراك، به‌کارتبلیغاتی(مانند چسباندن‌پوستر واعلامیه) مشغول بوده‌اندکه حدود ساعت۲۴ بایك‌اتوبوس‌متعلق به‌کارخانه ماشین‌سازی اراك،که سرنشینان اتوبوس را حدود ۳۰نفر ازپاسداران‌دادسرای انقلاب‌اراك‌تشکیل میداد، مواجه میشوند. عده‌ای از سرنشینان اتوبوس، یعنی پاسداران، به‌گروه رفقای حزبی‌ما،که جمعا سه نفر و داخل جیپ به‌شماره ۸۲۹۱۷ـ اراك بوده‌اند، حمله میکنند وپس‌از ضرب‌وشتم، دونفر ازرفقای‌حزبی مارا به‌عنف و زور و تهدید به‌داخل اتوبوس می‌برند ویك نفررا درداخل جیپ باقی می‌گذارند ، و چندنفر ازپاسداران به‌جیپ متعلق به‌رفقای‌ما آمده بزور سوار جیپ می‌شوند. رفقای‌ما، چه درداخل اتوبوس و چه در داخل جیپ، مطالبه‌کارت شناسایی می‌کنند،که به‌جای ارائه‌کارت‌ومعرفی‌رسمی، مواجه‌باجواب سربالا وتوهین میشوند. اتوبوس حرکت می‌کند، جیپ‌را نیزبه‌دنبال اتوبوس می‌رانند وپس‌از عبور ازمیدان دکترشریعتی، بطرف خارج شهر براه خود ادامه میدهند.

رفقای ما اعتراض می‌کنند که اولا ما کار خلافی نکرده‌ایم که‌موجب بردن ما به دادسرای انقلاب یاکمیته بشود، وثانی به فرض محال خلافی‌هم رخ‌داده باشد، باید درکمیته یا دادسرای انقلاب شهراراك، که محل فعالیت قانونی‌ما است، مورد رسیدگی‌قرارگیرد. بنابراین دلیل نداردکه ما را به خارج شهر، آنهم در این موقع شب ببرید. و به این عمل خلاف پاسداران وکتك زدن رفقای ما توسط پاسداران اعتراض‌میکنند ولی پاسداران به‌کارخود، یعنی بردن رفقای ما به‌خارج شهر به زور وعنف ادامه می‌دهند وبه اعتراضات بحق وقانونی رفقای ما توجه نمی‌کنند. ناگزیریکی‌ازرفقا که داخل جیپ بود، درحدود دروازه ملایر، خود رااز جیپ به بیرون پرت می‌کند،که دراین موقع راننده جیپ رفقای ما،که یکی‌ازپاسداران موسوف بوده با حرکت جیپ بطرف رفیق حزبی‌ما می‌خواهد حتی‌وی را، علاوه برتوهین وکتك‌کاری‌که درداخل جیپ‌کرده بودند، زیرماشین‌هم معدوم نماید،که رفیق ما خود را به‌کناری می‌کشد. درنتیجه بدین‌ترتیب جیپ ودونفر از رفقای ما توسط پاسداران یاد شده به خارج شهر برده می‌شوند و حدود ۶ یا ۷کیلومتری جاده اراك ـ ملایر، به فواصل معین، ۲نفررفقای سرنشین اتوبوس را هم، پس‌ازضرب وشتم در اتوبوس، وسط بیابان، از ماشین به بخارج پرت میکنند، ولی ماشین جیپ به شماره ۸۲۹۱۷ـ اراك را به یغما می‌برند.

نامه سازمان حزب‌تودهٔ‌ایران درارالك به دادستان انقلاب

سرپرست این گروه پاسداران شخصی بوده است به نام **سروان عزیزآبادی**، که ازیك طرف‌معاون دادستان است وازطرف دیگریکی ازکاندیداهای‌مجلس شورای ملی‌در اراك. ضمناً درداخل اتوبوس شخصی به نام **بالرحیدری** مورد شناسائی‌رفقای ما قرارمیگیرد که این‌شخص قبلا در خیاطی نخستین ـ دوزنده بوده است. راننده اتوبوس حامل پاسداران مورد بحث نیز، شخصی به نام **عزت بیرلی** بوده است.

ماشین جیپ به سرقت رفته رفقای ما بالاخره درتاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۸، بنا به اطلاع تلفنی یکی‌از کارکنان دادسرای اراك، پیدا می‌شود!

رفقای ما ، همراه آقای **توانچه** سرپرست کمیته شهربانی به شهر صنعتی میروند و ماشین داغان شده را تحویل می‌گیرندکه صورت هزینه تعمیرات ضروری‌آن بعداً تقدیم خواهد شد.

شرح ماوقع را ازهمان لحظه اول رفقای ما به‌اطلاع مراجع ذیصلاح، کمیته شهربانی، سپاه‌پاسداران وسرانجام به دادسرای انقلاب رسانیده و مصراً درخواست رسیدگی واقدام قانونی‌می‌نمایند.

خوشبختانه دراین سازمان‌ها، یعنی دادسرای انقلاب، کمیته وسپاه پاسداران افراد مسئول ومومن به انقلاب‌کم نبوده‌اند که در این برخورد و رسیدگی بسیارمؤدبانه ومحترمانه‌رفتارکرده‌اند.

ضمناً درداخل جیپ، پس از تحویل، یك عدد شلاق چرمی یافت شده‌است.

با شرح مختصرفوق مقتضی‌است مقررفرمائید موضوع دقیقاً مورد تحقیق و رسیدگی قرار گیرد و خاطیان را به‌کیفر قانونی برسانید، تا بدین ترتیب حیثیت انقلاب ملی‌ومردمی‌مان هرچه بیشتر محفوظ بماند وازشر گرگان درلباس میش پاك شود.»

سازمان حزب توده ایران ـ اراك

داستان هفته:

ژستی برای دولت پاناما!

آقای صادق‌قطب‌زاده ، وزیر امورخارجه، بعداز رفتن شاه‌خائن‌به‌مصر، در یك مصاحبه تلویزیونی ، ضمن اعلام‌این «پیروزی بزرگ»، اعتراف‌کردکه‌تا آخرین لحظه برای‌آزاد کردن گروگانها تلاش کرده است، ودرحالیکه دولت‌پاناماقط خواستار نشان دادن «ژستی» از طرف ایران بوده، آقای قطب‌زاده‌ازاین‌خواست هم فراتر رفته و درصدد آزادی آنها بوده است.

این کوشش‌آقای قطب‌زاده براساس خواست ایشان‌است‌که:

«صادق قطب‌زاده، وزیر امورخارجه ایران، خواستار یك راه‌حل مسالمت آمیز و سریع برای رفع بحران گروگانهااست .»

(نقل قول ازکورت‌والدهایم، اطلاعات ، ۱۷ دی)

ظاهرا وزیرخارجه به‌این نتیجه رسیده بود که بهترین راه نجات‌گروگانها تاخت زدن آنها با شاه مخلوع‌است. البته نه‌اینکه شاه بایران برگردانده شود، شاه در پاناما بماند وگروگانها آزاد شوند!باین‌ترتیب‌اسنادجنایات‌شاه مخلوع(«ماتوانستیم‌تمام اسناد و مدارك را آماده کنیم ... و یك روز قبل از موعد مقرر مدارك‌ما درپاناماحاضربود...» «قطب‌زاده، مصاحبه باکیهان، ۶ فروردین۵۹») درآخرین‌لحظات به‌پاناما فرستاده شد، تادرفرصت کوتاهی‌که باقی مانده است ، بتوان با استفاده‌ازتئوری «زمان طلاست» و «شاه دارد می برد» کاری برای‌گروگانها کرد .

برای انجام‌کار، «پاناما به‌ما گفت‌که‌شما یك ژستی در حقیقت‌درمورد گروگانها بگیرید که در دستمان یك قدرت تبلیغاتی باشد در مقابل افکار عمومی داخلی،که بتوانیم از حرکت‌شاه مخلوع جلوگیری کنیم .»

(مصاحبه قطب‌زاده،باکیهان، ۶ فروردین ۵۹)

یعنی قرار میشودکه‌آقای قطب‌زاده « ژست » بگیرد و پاناما مانع خروج شاه از این کشور شود. بعدآقای قطب‌زاده دنبال ژست‌گرفتن میرود :

« خدمت امام شرفیاب شدم ومطلب را عرض‌کردم. گفتم‌ماکاری باید بکنیم، والا اینکه طرف خواهد رفت .» (همانجا)

یعنی درحضور امام ژست گرفتن تبدیل شده به کاری کردن . اما امام آشتی ناپذیر به‌این پیشنهاد درواقع جواب رد میدهد:

«ایشان نظر مستقیمی در این مورد نداشتند .گفتندکه بعدا جواب میدهم . » (همانجا)

اینست‌که آقای قطب‌زاده برای ادامه ژست گرفتن‌که حالا به‌کاری کردن تبدیل شده ،

«باحاج احمدآقاپسرامام صحبت‌کردم. ایشان‌گفت‌اگر صد درصد لازم است ، کاری بکنیم . گفتم بنظر من اگر بخواهیم شاه مخلوع را در پاناما نگاه داریم، باید هرچه زودتر کاری بکنیم.»

تا اینجا هم مساله فقط نگاه داشتن شاه خائن درپاناما است. واین‌کارهم برای این است‌که ،

« یك کاری در مورد گروگانها بکنیم‌وآنها دستشان برباشد و بتوانند عمل کنند.» (همانجا)

دراینجا معلوم میشودکه‌هدف آن‌کارباید برگردندست آنها(!!) باشد .

بعدآقای قطب‌زاده ، ساعت ۸ شب به‌نخست‌وزیری، نزدآقای بنی صدر میروند وتا ساعت ۱۲ شب، «مادرجریان‌بودیم که...» (همانجا) اما، « ما نتوانستیم جواب مثبت به‌آنها بدهیم‌و کاری در مورد گروگانها بکنیم . » (همانجا)

اینجا هم معلوم میشودکه ، چون ژست گرفتن عبارت بوده از کاری‌کردن برای‌گروگانها .

تلاش آقای قطب‌زاده همراه باآقای‌بنی‌صدرادامه پیدامیکند:

«ساعت نه و نیم‌شب بود که حاج احمد آقا بابنی‌صدر هم صحبت‌کرد!» (همانجا)

و همه اینها خوشبختانه با مخالفت امام بی‌نتیجه میماند:

«مذاکرات‌آن شب نتیجه‌ای نداد . » (همانجا)

داستان «ژستی برای دولت پاناما»ادامه پیدا میکند وساعت یك ونیم بعد ازنیمه شب آقای قطب زاده متوجه میشودکه شاه مخلوع ازپاناما پروازکرده‌است. آنوقت سرانجام ماهیت‌واقعی‌آن کاری‌که برای‌گروگانها باید انجام شود، فاش میگردد :

«ساعت ۲بعد ازنیمه‌شب من درمصاحبه با چند تن از خبرنگاران اعلام‌کردم‌اگرشاه مخلوع رابرگردانند به‌پاناما، ما گروگان ها را تحویل میدهیم.» (همانجا)

یعنی ژست‌گرفتن برای دولت پاناما، آنهم ژستی‌که‌دستش را پرکند، آزادکردن‌گروگانها ازکار در می‌آید. اما صد افسوس که « دیر شده است » ، چون «ساعت۲ ساعت در جزیره ازور نفهمیدندکه بتوانند تصمیم بگیرند و آخر سر هم نتوانستند تصمیم بگیرند . » (همانجا)

این اشخاص‌مجهول‌که قرار است تصمیم بگیرند، البته معلوم نیست چه‌کسانی هستند.

اما تصمیمشان درمقابل‌آزادی گروگانها معلوم‌است. برگرداندن شاه به‌ایران! نه‌اگوش کنید! خود آقای قطب‌زاده اعتراف میکنند:

« . . . که او را ازجزیره ازور برگردانند .»

واین بود داستان هفته با عنوان «ژستی برای‌دولت پاناما» ،که ثمره‌اش یك « پیروزی بزرگ دیپلماسی‌ایران» بود! مبارك‌است!

در جهان سوسیالیسم چه میگذرد

برابری کامل حقوق زن ومرد درکوبا

تامین برابری حقوق زن و مرد در همه گستره‌های زندگی اجتماعی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای سوسیالیسم در کوباست . چندی پیش سومین کنگره «فدراسیون زنان کوبا»(F.M.C.) باشرکت ۲۱۸۷ نماینده در هاوانا برگزار شد.

در یکی از قطعنامه‌های کنگره درباره کار ایدئولوژیک در میان بیش از ۲ر۳ میلیون عضو «فدراسیون» ، گفته میشود : «زن انقلابی تنها با آمادگی برای ایفای وظایفی که بسار حول میگردد و وفاداری به انقلاب ، خویشتن را بثبوت‌میرساند».

پس از پیروزی ، شماره زنان شاغل در کوبا چهار برابر شده و اینك به ۷۸۰۰۰۰ رسیده است . امروز بیش از نیمی از زحمتکشان صنایع سبك و موسسات فرهنگی‌وبهداشتی، زن هستند ، همچنین پنجاه درصددانشجویان دانشگاه‌ها ومدارس عالی و حرفه‌ای ۱۰ دختران تشکیل میدهند .

یکی از نخستین کارهای دولت انقلابی در ۲۱ سال پیش تدوین قوانینی درزمینه دستیابی از زنان ، پرداخت دستمزد برابر در ازای کار برابر و مجازات بود.

در سال ۱۹۶۲ برای اولین‌بار قانونی برای حمایت ازمادران بتصویب رسید . در سال ۱۹۷۳ ، حقوق بنیادی زن ـ حق کار ، آموزش، مرخصی‌سرافزایمان و آسایش ـ در «قانون خانواده» تسجیل شد. قانون امنیت اجتماعی، که چندی پیش به مرحله اجرا درآمد ، سلسله قوانین جامع نخستین کشور سوسیالیستی آمریکا را تکمیل بخشید .

درمجارستان ۲۳ درصد سکنه بالاتر از ۱۸ سال دیپلمه هستند

«دفتر مرکزی آمار» مجارستان چند روز پیش ، بپایه سرشماری عمومی اخیرآن کشور ، آمارهای بیشتری را انتشار داده است .

بنابراین آمار ، از ۱۰ر۷ میلیون شهروند جمهوری توده‌ای مجارستان ، ۵۰۸۳۰۰۰ تن کار میکنند . ازاین عده ، نزدیك به سه میلیون کارگرند ، ۶۷۶۰۰۰ عضو تعاونی‌ها و ۱۷۶۴۰۰۰ روشنفکر .

سطح تحصیل مجار ها در سالهای اخیر بی‌اندازه افزایش یافته است. ۲۳ درصد سکنه بالاتر از ۱۸ سال دیپلمه‌هستند و ۲۳۰۰۰۰ نفرفارغ‌التحصیل‌دانشگاه . در ده سال گذشته ۷۴۱۰۰۰ نفر مجاری باخذ دیپلم موفق شده‌اند.

سهم کارگران متخصص به نسبت کارگران تولیدی ، در ده گذشته پنج درصدافزایش یافته است . تولید صنعتی‌مجارستان سوسیالیستی از سال ۱۳۳۲ ، اکنون ۱۶ر۲ برابر شده است!

یکشنبه‌ها: «نامه‌مردم» بزبان کردی

هموطنان‌کرد مقیم تهران میتوانندروزنامه نامه‌مردم‌بزبان کردی‌را، که روزهای یکشنبه منتشرمیشود، ازکیوسکهای‌نشریات تهران دریافت‌دارند.

نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸۸
تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹
چاپ: کاریان
MARDOM
No. 202
5 April 1980
Price:
West — Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 fr.
Italy 350 Lire
USA 50 Cents
Sweden 1.50 Skr.

شوخی نیست...

معنای دفاع ازجمهوری اسلامی ایران

عباس سعیدی، روحانی سرشناس تبریز،که به‌اتهام شرکت در افتشاشات این‌شهرمحاکمه میشود، دردادگاه‌گفت:

«مرا متهم به‌اقدام‌علیه جمهوری‌اسلامی‌کرده‌اند، درحالیکه من جزو اولین‌کسانی بودم‌که به‌جمهوری اسلامی رأی دادم.»

رئیس دادگاه‌گفت، «نوار سخنان شما دررادیو تبریزموجود است‌که بعدازتصرف ساختمان‌رادیووتلویزیون قطعنامه صادرکردید و درماده اول‌آن خواستار سرنگونی رژیم ارتجاعی ودیکتاتوری حکومت اسلامی شدید.»

متهم درجواب‌گفت، «سخنانیکه من‌گفته‌ام نظرشخصی‌خودم بوده واظهارنظر شخصی جرم محسوب نمیشود.»

از این پرسش و پاسخ معلوم شدکه نظر شخصی جرم‌نیست حتی اگربدنبال‌آن رادیوتلویزیون یك‌شهراشغال وسرنگونی رژیم قانونی کشورخواسته شود. این‌نظررا «سعیدی»ها،که زیرنقاب‌اسلام پنهان شده‌اند، میتوانند بدهند. اما اگریك «چپی» ازاوضاع فقط انتقاد کند، همین نمایندگان «اسلام‌آمریکائی» برمنابرآنها را «وطن‌فروش»، «وابسته» و «خائن» می‌خوانند.

درهمین‌حال ازاین پرسش وپاسخ معنای دفاع ازجمهوری اسلامی ایران‌هم برما روشن شد.

تاحالاکلك خورده بودیم

تاحالا مردم فکرمیکردندکه امپریالیسم‌آمریکا (بخشید که مردم عادت ندارند مثل‌آقای‌وزیرخارجه همه‌تقصیرها رابگردن کیسینجر درراکفلر بیاندازند) یعنی انحصارات بزرگ، پنتاگون، سیا، کارتر وهمه ارواح خبیثه سرمایه‌داری امپریالیستی زورشان‌را گذاشته‌اندکه‌گروگانها را آزادکنند. اما «سریکی ازگروگانها دریك مصاحبه باشبکه تلویزیونی «ا.بی.سی» آب‌پاکی روی دست مردم ریخت ومعلوم شد تاحالا «کلك» خورده بودیم.

سرکارخانم «دورتی مورفیلد» گفت: «آمریکاعلاقمند است‌که اینها «همچنان درتهران‌گروگان نگهداشته شوند وبعقیده‌من این یك توطئه سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا) است.»

دراین مصاحبه‌کاردار ایران‌درآمریکاهم‌شرکت‌داشت‌وسکوت کرد! شاید علت سکوت ایشان‌هم این باشد که بعدازاین اظهارات به‌سمت فعالیت‌های‌برخی محافل برای‌آزادکردن‌گروگانهایی‌برده بودندکه میخواستند باین‌ترتیب «کلك» سیا را خنثی‌کنند. اما، امان ازاین مردم‌که...

حالا معلوم شد...

آقای جرج‌بال، یکی‌از سخنگویان انحصارات‌امپریالیستی آمریکا، برخلاف کیسینجر وراکفلر،که خیلی بدجنس هستند وهمه جنایات‌آمریکا زیرسرآنهاست،آدم خیلی خوبی هستند. ایشان در یك مصاحبه مطبوعاتی بالاخره اولادادند که امپریالیسم چرا بعداز مرحله جدید انقلاب افغانستان بفروزکشیدن افتاده است. ایشان فرمودند:

«پیمان افغانستان برای همه‌کشورهائی که درکمیسیون سه جانبه نمایندگی دارند، خطرایجادکرده است.»

البته این «خطر» به‌نظرایشان ناشی از «خلاء»ای است‌که دراثر سقوط شاه بوجودآمده است وشوروی‌را «پررو»کرده تادست به «ماجراجوئی» بزند. ایشان اضافه فرموده‌اند:

«غرب بایدکشورهای خلیج‌فارس درجهان سوم‌را بطورکلی متقاعدکندکه باید به‌ماجراجوئی شوروی پاسخ داده شود.»

وسرانجام‌جناب ایشان علت اصلی جنجال‌غرب‌رابرداده‌اند:

«درغیراین صورت(یعنی درصورت‌پاسخ‌ندادن‌به‌ماجراجوئی شوروی) سقوط نیروهائی در خلیج فارس،که غربی بنظر میرسند، درپیش خواهد بود.»

ای‌کاش‌همه‌امپریالیستهامثل‌کیسینجرورا کفلربدجنس‌نبودند تاماازاسرار امپریالیسم بیشتر سردرمی‌آوردیم.

آقای قطب‌زاده کار امام را شوخی گرفته است؟!

آقای قطب‌زاده، وزیرامور خارجه ایران، در آخرین مصاحبه خودگفته‌است:

«امام‌کارش شوخی‌بردار نیست وما هم سعی میکنیم همان خط وهمان معنی‌ومفهوم را درپیش بگیریم .»

امام کارتر را «سردمدار ستمکاران عالم» نامید، ولی آقای قطب‌زاده، که سعی‌کرده‌کارامام را شوخی‌نگیرد وهمان خط و همان معنی‌ومفهوم را درپیش‌گیرد، درباره‌کارتر گفته‌است: «نظرمن نسبت به‌کارتر، نظرمثبتی‌است» !

آقای قطب‌زاده قبل ازاین سعی‌زیاد میکرد تا پس‌ازرفتن شاه مخلوع به مصر، همان خط را درپیش بگیرد. امام این عمل‌را «مذموم» و«توطئه شیطان بزرگ» خواند وآقای قطب‌زاده آنرا «پیروزی نسبتاً بزرگ» نامید!

کسی دورتر، بازهم آقای قطب‌زاده سعی‌کرد تا کارامام را شوخی‌نگیرد وهمان معنی‌ومفهوم را درپیش بگیرد. او درمورد دانشجویان مسلمان پیروخط امام گفت‌که: «برای(آنها) اصالت‌و اهمیتی قائل» نیست، حال آنکه امام آنان را «دانشجویان مبارزی‌که ملت را سرافرازکردند» نامید.

آقای قطب‌زاده درمورد دیگری نیز بسیارسعی‌کرد تاهمان خط وهمان معنی‌ومفهوم را درپیش بگیرد، در زمانیکه شاه‌مخلوع را آمریکا ازپاناما به مصربرد اعلام‌کردکه «اگرشاه مخلوع را برگردانند به پاناما ، ما گروگانها را تحویل میدهیم»، درحالیکه امام تحویل گروگانها را بمجلس خودایملس گذاشته است .

آقای قطب‌زاده تا بحال بسیار سعی کرده است و هنوز هم بسیار سعی‌میکند تاکار امام را شوخی نگیرد وهمان معنی‌ومفهوم‌را درپیش‌گیرد، ولی‌متاسفانه مثل‌ایست‌که ادرچه سعی میکند وهر چه بیشتر کوشدکارها معکوس میشود!

باید گفت که آقای قطب‌زاده بسا نتوانند معنی و مفهوم خط امام جهت و بسا کار امام را شوخی گرفته است ، اینطور نیست!

اصل قانون اساسی را نقض مورد اعمال کردن بازرگانی خارجی احراز آنید